

۱۰۰ روز از ناپدید شدن یک لنج صیادی ایرانی در اقیانوس هند؛

معمای «شاهین ۲» و بالگردهای آمریکایی

هنوز هیچ مقام رسمی گزارشی از اصابت موشک به این شناور صیادی ارائه نکرده است. حالا خانواده‌ها می‌گویند منتظریم تا پدران و همسرانمان به خانه برگردند. شاید آنها هم مانند صیادهای لنج اسلامی ۲، جایی اسیر باشند...

صفحه ۴...

پشت پرده یک تصمیم لغوشده چه می‌گذرد؟

بنزین جهانی، حقوق ایرانی!

صفحه ۲



عکس: ستایش محمدپاری

طلای سرخ علیه مهاجرت روستاییان گلستان

سنگ تمام ارشاد گلستان در پاسداشت روز خبرنگار؛

رنگین کمان هم‌نشینی خبرنگاران و دولتمردان

مقایسه تطبیقی رشد هیجانی در کودکان تک‌فرزند و چندفرزند

سیگار چگونه مغز را در تله وابستگی می‌اندازد؟

نیکوتین؛ پاداش کوتاه‌مدت و وابستگی بلندمدت ایجاد میکند.

گام‌های ورود به چرخه وابستگی

۱. ورود نیکوتین به مغز
نیکوتین موجود در دود سیگار بسیار سریع وارد جریان خون می‌شود و در مدت کوتاهی به مغز می‌رسد و گیرنده‌های نیکوتینی را فعال می‌کند.

۲. فعال شدن سیستم پاداش؛ دوپامین چه نقشی دارد؟

نیکوتین مدارهای پاداش مغز را تحریک می‌کند و آزادسازی دوپامین را افزایش می‌دهد.

دوپامین یک پیام‌رسان عصبی مرتبط با پاداش، انگیزه و یادگیری است؛ به همین دلیل فرد ممکن است پس از مصرف، احساس لذت، آرامش یا کاهش موقت تنش را تجربه کند.

۳. سازگاری مغز

با تکرار مصرف، مغز به حضور مداوم نیکوتین سازگار می‌شود و تغییراتی در سیستم پاداش و تنظیم استرس ایجاد می‌شود. به‌تدریج، نیکوتین برای احساس «عادی بودن» اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

۴. کاهش نیکوتین و آغاز علائم محرومیت

با پایین آمدن سطح نیکوتین، فرد وابسته ممکن است دچار تحریک‌پذیری، بی‌قراری، اضطراب، کاهش تمرکز، افت خلق و میل شدید به مصرف شود.

۵. مصرف دوباره

فرد برای دریافت دوباره نیکوتین و کاهش موقت این علائم، سیگار دیگری می‌کشد؛ و چرخه وابستگی دوباره تکرار می‌شود.

وزیر جهادکشاورزی در نشست خبری:

امنیت غذایی مردم حتی برای یک ساعت مختل نشد

وزیر جهادکشاورزی با بیان اینکه دشمن در جریان دو جنگ تحمیلی اخیر به دنبال ضربه زدن به تاب آوری مردم ایران از طریق تهدید امنیت غذایی بوده است، گفت: امنیت غذایی مردم حتی برای یک ساعت در هیچ نقطه از کشور دچار مشکل نشد و با تمهیدات صورت گرفته شاهد قحطی و کمبود نبودیم.

غلامرضا نوری قزلبه با اشاره به گذشت دو سال از فعالیت دولت چهاردهم به ارایه گزارشی از عملکرد این وزارتخانه پرداخت و گفت: دولت چهاردهم از همان روز نخست فعالیت با شیطنت‌های اجنبی و دشمنان مواجه شد و این روند تا به امروز ادامه دارد.

وی افزود: طی بیش از دو سال و نیم گذشته دولت به هیچ عنوان روز آرام و بی‌دغدغه‌ای نداشت، حوادث و اتفاقات زیادی از جمله بازگشت مکانیسم ماشه، جنگ‌های تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه و شدیدترین خشکسالی سال‌های اخیر را شاهد بودیم و همین عوامل دست به دست هم داد تا دولت چهاردهم امتحان بزرگی پس بدهد.

وزیر جهادکشاورزی ادامه داد: نگاهی به چالش‌ها و تنش‌های یاد شده و عبور از آنها نشان دهنده لطف خدا در وهله نخست، تدابیر رهبر شهید و مقام معظم رهبری، هماهنگی بین قوا و پشتیبانی خوب و کامل قوه مجریه از نهادها و سازمان‌های زیر مجموعه است.

امنیت غذایی مردم حتی برای یک ساعت در هیچ نقطه ای از کشور دچار مشکل نشد
عضو کابینه چهاردهم بخش کشاورزی و امنیت غذایی را از مولفه های مهم در تامین امنیت و تاب آوری جامعه دانست و گفت: حتی یک روز هم نمی توان ناترازی یا کمبود در این حوزه را تحمل کرد و به همین دلیل پیش بینی دشمنان در جریان دو جنگ تحمیلی اخیر این بود که امنیت غذایی ایران ظرف ۲۱ روز از دست می رود و به همین دلیل با محاصره دریایی و بنادر، هرچه در توان داشتند به کار بردند.

نوری قزلبه افزود: در حالی که بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل و پروتکل الحاقی آنها، حوزه غذا و دارو از معافیت‌هایی در شرایط جنگی برخوردار است، اما دشمن جنایتکار همه این‌ها را زیر پا گذاشته است.

وی با بیان اینکه با وجود همه مشکلات اعم از تحریم ها و محاصره دریایی، آنچه مردم شاهد بودند، این بود که امنیت غذایی ایران برای یک روز یا حتی یک ساعت در هیچ نقطه‌ای از کشور دچار مشکل نشد، اظهار داشت: برخلاف کشورهای کوچک‌تر که در جنگ‌ها فروشگاه‌هایشان خالی شد و ذخایر آنها تمام شد، این مشکل در جریان جنگ تحمیلی در ایران رخ نداد و موجودی مواد غذایی کشور تامین بود؛ هرچند هزینه ها و قیمت های تمام شده تحت تاثیر شرایط جنگ و محاصره افزایش یافت و این هزینه به مردم تحمیل شد.

با اشراف اطلاعاتی کامل می‌گوییم که امنیت غذایی در کشور برقرار است
وزیر جهاد کشاورزی تاکید کرد: با وجود مسائل و مشکلات متعدد در ماه‌های گذشته اما امنیت غذایی هیچ مشکلی ندارد و در این حوزه دشمنان مأیوس شدند. نوری قزلبه با بیان اینکه تولید ۸۵ درصد محصولات و تولیدات غذایی مدیون زحمات



حمیدرضا محمدیاری/ بازار کسب و کار

ماجرای بنزین از یک قیمت لغوشده فراتر رفته و به آزمونی برای معیشت و اعتماد عمومی تبدیل شده است؛ جایی که دولت از سناریوهای جدید سخن می‌گوید، مجلس با افزایش قیمت مخالفت می‌کند و مردم می‌پرسند اگر قرار است بنزین جهانی شود، چرا درآمد و قدرت خریدشان همچنان ایرانی محاسبه می‌شود؟

سرویس اقتصادی بازار کسب و کار؛ ماجرای بنزین در روزهای اخیر از یک بحث صرفاً اقتصادی درباره قیمت سوخت عبور کرده و به یکی از جدی‌ترین چالش‌های اجتماعی، معیشتی و حتی نظارتی کشور تبدیل شده است؛ ماجرابی که از اعلام عرضه بنزین با نرخ ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان در کرمان آغاز شد، در فاصله‌ای کوتاه متوقف شد و همزمان، اظهارات متفاوت مسئولان درباره آینده قیمت و نحوه تخصیص بنزین، پرسش‌های تازه‌ای را پیش روی افکار عمومی قرار داد. در حالی که اجرای عرضه بنزین با نرخ تمام‌شده پالایشگاهی در کرمان متوقف شد، رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی از سه سناریوی جدی دولت برای آینده بنزین سخن گفته و اعلام کرده تصمیم‌گیری در این‌باره در روزهای پایانی قرار دارد. در مقابل، مشاور رئیس مجلس و قالیباف اعلام کرده است که با تصمیم سران قوا، افزایش قیمت بنزین منتفی شده و طرح‌هایی بدون افزایش قیمت در حال بررسی است. (شبکه اطلاع رسانی طلا و ارز)

در کرمان حتی جزئیات طرح نشان می‌داد مسئله صرفاً یک افزایش ساده قیمت نبود. بر اساس توضیح سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس، قرار بود ۶۰ لیتر بنزین با نرخ ۱۵۰۰ تومان، ۵۰ لیتر با نرخ ۳۰۰۰ تومان و ۴۰ لیتر از سهمیه کارت‌های آزاد با نرخ ۵۰۰۰ تومان در کارت‌های سوخت شارژ شود و در صورت نیاز بیشتر از این میزان، بنزین با نرخ قبول خلیج فارس و هزینه تولید پالایشگاهی عرضه شود؛ رقمی که برای مصرف مازاد ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان اعلام شده بود. این طرح پس از واکنش‌ها و مذاکرات برای بررسی بیشتر، متوقف شد. (شبکه اطلاع رسانی طلا و ارز)

اما سؤال اساسی همچنان پابرجاست: اگر افزایش قیمت بنزین منتفی شده، چرا دولت همچنان در حال بررسی چند سناریوی جدید برای نحوه توزیع و تخصیص آن است؟ آیا قرار است قیمت ثابت بماند اما دسترسی تغییر کند؟ آیا مصرف مازاد با نرخ دیگری محاسبه خواهد شد؟ و آیا می‌توان تغییر سازوکار تخصیص را از افزایش هزینه واقعی خنوار جدا دانست؟

سه سناریو؛ یک نگرانی مشترک

رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی سه سناریو را برای مدیریت بنزین مطرح کرده است. در سناریوی نخست، قرار است تا سقف ۱۲۱ میلیون لیتر بنزین با قیمت فعلی در جایگاه‌ها توزیع شود و پس از رسیدن مصرف به این سقف، عرضه متوقف شود. در سناریوی دوم، همین ۱۲۱ میلیون لیتر با سهمیه و بدون افزایش قیمت میان خودروها توزیع و مصرف مازاد با نرخ آزاد عرضه شود؛ مدلی که قرار بود در کرمان نیز به شکل آزمایشی اجرا شود. در سناریوی سوم نیز ۳۰ میلیون لیتر به حمل‌ونقل عمومی اختصاص یابد و ۹۱ میلیون لیتر باقی‌مانده به جای خودروها میان همه مردم توزیع شود. (روزنامه دنیای اقتصاد)

روی کاغذ ممکن است هیچ‌یک از این گزینه‌ها «افزایش رسمی قیمت بنزین» نامیده نشود، اما اقتصاد خانوار با عنوان طرح‌ها کاری ندارد و هزینه نهایی را محاسبه می‌کند. اگر سهمیه پاسخگوی نیاز خانوار نباشد و مصرف مازاد با نرخ آزاد عرضه شود، هزینه واقعی سوخت افزایش خواهد یافت. اگر عرضه پس از رسیدن به سقف متوقف شود، تکلیف مصرف‌کننده‌ای که همچنان به بنزین نیاز دارد چیست؟ و اگر سهمیه از خودرو به همه مردم منتقل شود، سازوکار جلوگیری از رانت، سوداگری و نابرابری در دسترسی چگونه خواهد بود؟

این همان نقطه‌ای است که فاصله میان «قیمت رسمی» و «هزینه واقعی» اهمیت پیدا می‌کند. ممکن است نرخ روی تابلوی جایگاه تغییر نکند، اما سیاست جدید به شکلی طراحی شود که خانوار برای تأمین نیاز واقعی خود ناچار به پرداخت نرخ بالاتری شود. از همین رو، اصرار بر اینکه «قیمت بنزین افزایش پیدا نمی‌کند» به‌تنهایی برای افکار عمومی کافی نیست؛ مردم باید بدانند هزینه واقعی سیاست جدید برای آنها چقدر خواهد بود.

مجلس: افزایش قیمت بنزین مردود است

در مقابل این سناریوها، موضع مجلس نیز صریح‌تر از گذشته مطرح شده است. نمایندگان مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهور، هرگونه افزایش قیمت بنزین را غیرقابل‌قبول و مردود اعلام کرده‌اند و به گفته یکی از نمایندگان، این نامه با امضای اکثر نمایندگان، بیانگر مخالفت قاطع مجلس با افزایش قیمت سوخت است. همچنین درباره افزایش خودسرانه قیمت بنزین در استان‌ها هشدار داده شده و تأکید شده است که چنین اقدامی غیرقانونی بوده و می‌تواند مسئولیت اداری و قضایی برای مدیران ذی‌ربط به همراه داشته باشد. (Khabar Fori)

این موضع مجلس، پرسش دیگری را ایجاد می‌کند: اگر مجلس افزایش قیمت را مردود می‌داند و سران قوا نیز بنا بر اعلام مشاور رئیس مجلس با افزایش قیمت مخالفت کرده‌اند، سه سناریوی دولت دقیقاً قرار است چه تغییری ایجاد کنند؟

مشکل از جایی آغاز می‌شود که ادبیات مسئولان درباره «قیمت» با واقعیت هزینه خانوار فاصله پیدا کند. برای شهودنی که ماهانه به مقدار مشخصی بنزین نیاز دارد، اینکه هزینه اضافی «قیمت آزاد»، «نرخ تمام‌شده»، «اصلاح سهمیه» یا «تغییر سازوکار تخصیص» نامیده شود، تفاوت چندانی ندارد؛ آنچه اهمیت دارد این است که در پایان ماه چه

مقدار پول بیشتری باید برای رفت‌وآمد و زندگی پرداخت کند. در حالی که اجرای طرح بنزین ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومانی در کرمان متوقف شده، اظهارات متفاوت مسئولان درباره آینده سوخت همچنان ادامه دارد؛ از سه سناریوی دولت برای نحوه تخصیص بنزین تا مخالفت مجلس با هرگونه افزایش قیمت. حالا پرسش اصلی این است که اگر افزایش قیمت منتفی است، تغییر سازوکار عرضه چه هزینه‌ای برای مردم خواهد داشت و آیا قرار است بار ناترازی انرژی بار دیگر بر دوش خانوارها گذاشته شود؟

دولت از ناترازی می‌گوید؛ مردم از معیشت

اصل مسئله ناترازی بنزین قابل انکار نیست. رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی همچنین درباره آسیب‌های واردات بنزین هشدار داده و گفته است واردات بنزین آسیب‌های جدی دارد و در شرایطی که کالاهای اساسی و دارو باید در اولویت واردات باشند، نمی‌توان منابع کشور را بدون توجه به هزینه‌های آن صرف واردات بنزین کرد.

این استدلال از منظر اقتصاد انرژی قابل بررسی است؛ اما پذیرش وجود ناترازی به معنای پایان بحث نیست. پرسش مهم‌تر این است که چه کسی باید هزینه ناترازی را بپردازد؟

اگر خودروهای پرمصرف همچنان در خیابان‌های کشور تردد کنند، اگر حمل‌ونقل عمومی در بسیاری از شهرها نتواند جایگزین مناسبی برای خودروی شخصی باشد، اگر کیفیت خودروها و بهره‌وری ناوگان اصلاح نشود و اگر قاچاق و اتلاف سوخت همچنان یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذار باشد، چرا نخستین گزینه‌ها باید متوجه سهمیه و مصرف خنوار باشند؟

آیا اصلاح ناترازی نمی‌تواند همزمان از اصلاح ناوگان حمل‌ونقل، توسعه حمل‌ونقل عمومی، افزایش بهره‌وری، کاهش اتلاف، مقابله با قاچاق و اصلاح الگوی مصرف آغاز شود؟ و اگر قرار است مردم در این اصلاح سهم داشته باشند، دولت چه سهمی از هزینه اصلاح ساختاری را بر عهده خواهد گرفت؟

بنزین ۸۷ هزار تومانی؛ یک هشدار بزرگ‌تر از یک قیمت

آنچه در کرمان اتفاق افتاد، حتی با لغو سریع طرح، یک پیام مهم برای جامعه داشت. اعلام رقم ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان برای بنزین مازاد، افکار عمومی را با این سؤال مواجه کرد که آیا قرار است قیمت واقعی سوخت به‌تدریج به سمت نرخ‌های تمام‌شده و جهانی حرکت کند؟ هرچند اجرای این نرخ متوقف شد، اما انتشار آن نشان داد فاصله میان نرخ‌های فعلی و قیمت تمام‌شده تا چه اندازه می‌تواند برای خانوارها شوک‌آور باشد. (شبکه اطلاع رسانی طلا و ارز)

از سوی دیگر، همین اتفاق نشان داد تصمیمی با چنین آثار گسترده‌ای چگونه می‌تواند در مدت کوتاهی موجب نگرانی عمومی شود. بنابراین مسئله فقط این نیست که چرا طرح لغو شد؛ مسئله این است که چرا اساساً چنین طرحی با چنین رقمی به مرحله اعلام عمومی رسید و چه ارزیابی اقتصادی و اجتماعی پیش از آن انجام شده بود؟

از وعده‌های انتخاباتی تا مطالبه پاسخگویی

حساسیت جامعه نسبت به این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که مواضع انتخاباتی رئیس‌جمهور درباره بنزین نیز دوباره بازنشر شده است. رئیس‌جمهور در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ درباره نگرانی‌ها از افزایش قیمت بنزین تأکید کرده بود که بدون رضایت مردم اقدامی در این زمینه انجام نخواهد شد. در همان دوره نیز مواضع او درباره افزایش قیمت بنزین و ضرورت رعایت قانون مورد توجه قرار گرفته بود. (Mehr News)

اکنون با مطرح‌شدن طرح‌های جدید و ماجرای بنزین ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومانی در کرمان، بازنشر این مواضع انتخاباتی فقط یک واکنش سیاسی نیست؛ بخشی از جامعه آن را به مطالبه‌ای درباره اعتماد عمومی و مسئولیت‌پذیری در برابر وعده‌ها تبدیل کرده است. حتی در میان چهره‌های هنری و رسانه‌ای نیز واکنش‌هایی به بحث افزایش قیمت بنزین دیده شده و برخی با بازنشر مواضع انتخاباتی، نسبت به فاصله میان وعده‌ها و سیاست‌های مطرح‌شده انتقاد کرده‌اند.

در چنین شرایطی، لغو یک طرح اگرچه می‌تواند از تحمیل یک شوک قیمتی جلوگیری کند، اما به‌تنهایی پاسخگوی پرسش‌های جامعه نیست. مردم می‌خواهند بدانند تصمیم اولیه بر چه مبنایی اتخاذ شد، چه نهادهی آن را پیشنهاد کرد، چه مطالعاتی درباره آثار اجتماعی و تومری آن انجام شد و چه نهادهی باید درباره تصمیمی که در مدت کوتاهی اعلام و سپس متوقف شد، پاسخگو باشد.

تجربه‌ای که هنوز فراموش نشده است

البته نگرانی امروز درباره تبعات اجتماعی تصمیم‌های بنزینی، بدون توجه به تجربه دولت یازدهم و دوازدهم کامل نمی‌شود. در آبان ۱۳۹۸، افزایش ناگهانی قیمت بنزین از بامداد ۲۴ آبان، موجی از اعتراضات گسترده را در نقاط مختلف کشور به دنبال داشت. نحوه اعلام و اجرای آن تصمیم نیز به یکی از محورهای اصلی انتقادات تبدیل شد؛ موضوعی که حتی سال‌ها بعد نیز درباره چگونگی تصمیم‌گیری آن بحث‌های مختلفی مطرح شده است.

در روزهای پس از آن نیز اظهارنظر رئیس‌جمهور وقت درباره اینکه از افزایش قیمت بنزین در صبح جمعه مطلع شده، به یکی از ماندگارترین بخش‌های آن ماجرا تبدیل شد؛ اظهارنظری که بعدها نیز بازتاب گسترده‌ای داشت.

اهمیت این تجربه برای امروز در یک نکته خلاصه می‌شود: تصمیم اقتصادی درباره بنزین فقط یک تصمیم درباره قیمت سوخت نیست. نحوه اعلام، زمان اجرا، میزان اعتماد مردم

پشت پرده یک تصمیم لغوشده چه می‌گذرد؟

بنزین جهانی، حقوق ایرانی!



به تصمیم‌گیران و ارزیابی پیامدهای تومری و اجتماعی آن می‌تواند به اندازه خود قیمت اهمیت داشته باشد. به همین دلیل، تکرار هرگونه تصمیم ناگهانی درباره بنزین در شرایطی که قدرت خرید خانوارها تحت فشار است، می‌تواند هزینه‌ای فراتر از افزایش مستقیم قیمت سوخت ایجاد کند.

اکنون نیز پرسش افکار عمومی این است که آیا از تجربه آبان ۱۳۹۸ درس گرفته شده است؟ آیا پیش از طرح هر سناریوی جدید، آثار آن بر تورم، حمل‌ونقل، قیمت کالاها و معیشت خانوارها به‌طور شفاف بررسی شده است؟ و مهم‌تر اینکه اگر قرار است تصمیمی درباره بنزین گرفته شود، آیا مردم پیش از اجرا در جریان جزئیات آن قرار خواهند گرفت یا بار دیگر ابتدا تصمیم گرفته می‌شود و سپس جامعه در برابر پیامدهای آن قرار می‌گیرد؟

این تجربه همچنین اهمیت پاسخگویی را پررنگ‌تر می‌کند؛ زیرا اعتماد عمومی، بخشی از سرمایه اقتصادی هر سیاست‌گذاری است و اگر این سرمایه آسیب ببیند، حتی یک تصمیم اقتصادی از نظر فنی قابل دفاع نیز می‌تواند با هزینه‌های اجتماعی بسیار سنگین‌تری مواجه شود.

حالا نوبت دستگاه‌های نظارتی است؟

اینجاست که نگاه‌ها از دولت و مجلس فراتر می‌رود و به دستگاه‌های نظارتی نیز معطوف می‌شود. اگر مجلس افزایش قیمت را مردود می‌داند، اگر تصمیم افزایش قیمت بنا بر اعلام مشاور رئیس مجلس با مخالفت سران قوا مواجه شده و اگر اجرای طرح کرمان نیز متوقف شده است، پرسش طبیعی این است که آیا نهادهای نظارتی درباره فرآیند شکل‌گیری و اعلام این سیاست ورود خواهند کرد؟

این مطالبه الزاماً به معنای برخورد قضایی با یک تصمیم اقتصادی نیست؛ بلکه به معنای روشن‌شدن زنجیره تصمیم‌گیری است. جامعه باید بداند چه نهادهی پیشنهاد داده، چه نهادهی بررسی کرده، چه مقامی مجوز داده و چرا تصمیمی با چنین پیامد اقتصادی و اجتماعی پیش از رسیدن به یک جمع‌بندی نهایی به اطلاع عمومی رسیده است.

این پرسش زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که همزمان موضوع تراسیتی‌ها و بازگشت ارز و منابع کشور نیز مورد توجه دستگاه قضایی قرار گرفته است. رئیس قوه قضائیه پیش‌تر از ورود دستگاه قضایی به موضوع تراسیتی‌ها، عدم بازگشت ارزهای صادراتی و تعهدات ارزی خبر داده بود و گزارش‌های اخیر نیز از تشکیل پرونده برای مدیران شرکت‌های تراسیتی و پیگیری برخی افراد خارج‌شده از کشور حکایت دارد. (Entekhab)

با این حال، باید میان این پرونده‌ها و ماجرای بنزین مرز روشنی گذاشت. نمی‌توان بدون مستندات رسمی ادعا کرد که میان خروج برخی تراسیتی‌ها، تصمیم‌های بنزینی یا تحولات اجتماعی اخیر رابطه مستقیم وجود دارد. آنچه می‌توان گفت این است که برخی کارشناسان رسانه و اقتصاد، مجموعه این تحولات را در چارچوب گسترده‌تری از شفافیت اقتصادی، خروج سرمایه، سیاست ارزی و نحوه تصمیم‌گیری درباره منابع کشور بررسی می‌کنند.

از بنزین تا ارز؛ آیا جامعه نگران تکرار شوک‌های اقتصادی است؟

برخی کارشناسان نیز تغییرات مربوط به قیمت بنزین را جدا از سیاست‌های ارزی نمی‌دانند و معتقدند آزادسازی یا افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی در شرایطی که اقتصاد با فشارهای تومری و ارزی مواجه است، می‌تواند انتظارات تومری را تشدید کند. از این منظر، نگرانی فقط افزایش قیمت یک لیتر بنزین نیست؛ نگرانی درباره موج دوم و سوم آن است؛ یعنی افزایش هزینه حمل‌ونقل، رشد هزینه تولید و توزیع و سپس انتقال این هزینه‌ها به قیمت کالا و خدمات.

در همین چارچوب، برخی تحلیل‌ها تحولات اقتصادی و اجتماعی منتهی به حوادث ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ را نیز در کنار سیاست‌های ارزی و معیشتی مورد بحث قرار داده‌اند. با این حال، نسبت‌دادن مستقیم آن حوادث به یک تصمیم مشخص اقتصادی نیازمند شواهد مستقل و بررسی دقیق است و نمی‌توان رابطه علت و معلولی میان آنها را صرفاً بر اساس تحلیل‌های رسانه‌ای قطعی دانست.

اما حتی بدون چنین نسبت مستقیمی، یک واقعیت اقتصادی قابل انکار نیست: جامعه‌ای که قدرت خرید آن تحت فشار است، ظرفیت محدودی برای تحمل شوک‌های قیمتی جدید دارد.

«بنزین با تعرفه جهانی، حقوق با تعرفه ایرانی»

در همین نقطه است که اظهارات یک مجری صداوسیما به یکی از اصلی‌ترین انتقادهای اقتصادی جامعه از سیاست قیمت‌گذاری بنزین تبدیل می‌شود. او با اشاره به طرح بنزین ۸۷ هزار تومانی و لغو آن، در واکنش به استدلال‌هایی که قیمت جهانی بنزین را معیار قرار می‌دهند، گفت: «قیمت بنزین ما رو جهانی کنین، ولی حقوق ما رو هم جهانی کنین. قیمت ماشینا و همه چیزا اونا هم جهانی کنین. نمیشه بنزین با تعرفه جهانی، حقوق با

تعرفه ایرانی..»

این جمله، فارغ از اینکه از سوی یک مجری مطرح شده، یک پرسش جدی اقتصاد خانوار را مطرح می‌کند: آیا می‌توان فقط قیمت‌ها را جهانی دید اما درآمدها را ایرانی محاسبه کرد؟

اگر قرار است برای توجیه قیمت بنزین به نرخ‌های جهانی، هزینه واردات و قیمت تمام‌شده استناد شود، چرا هنگام محاسبه قدرت خرید مردم، دستمزد، درآمد سرانه، قیمت خودرو، کیفیت حمل‌ونقل عمومی و سطح رفاه خانوار نیز با همان معیار مقایسه نمی‌شود؟ مصرف‌کننده ایرانی اگر قرار است هزینه سوخت را با منطق جهانی بپردازد، با چه درآمدی قرار است این هزینه را تحمل کند؟

مسئله اینجا مخالفت مطلق با اصلاح قیمت انرژی نیست؛ مسئله زمان، شیوه و توزیع هزینه اصلاح است. اصلاح قیمت بدون اصلاح قدرت خرید می‌تواند به جای اصلاح ساختاری، صرفاً هزینه را از دولت به خانوار منتقل کند. به همین دلیل، هر سیاستی درباره بنزین باید همزمان پاسخ دهد که اثر آن بر تورم، حمل‌ونقل، تولید، قیمت کالاها و درآمد واقعی خانوار چگونه مدیریت خواهد شد.

مردم فقط بنزین نمی‌خرند؛ هزینه زنجیره اقتصاد را می‌پردازند

بنزین یک کالای منفرد در سبد مصرفی خانوار نیست. افزایش هزینه آن می‌تواند بر حمل‌ونقل عمومی، کرایه‌ها، جابه‌جایی کالا، هزینه تولید و توزیع و در نهایت قیمت کالاهای مصرفی اثر بگذارد. بنابراین حتی اگر دولت افزایش رسمی قیمت را منتفی کند، هر تصمیمی که سهمیه را محدود یا مصرف مازاد را گران‌تر کند، باید از منظر هزینه کل زندگی سنجیده شود.

از این رو، پرسش مردم فقط این نیست که «بنزین چند تومان می‌شود؟» بلکه این است که در نهایت ماهانه چقدر بیشتر باید برای زندگی پرداخت کنیم؟

اگر پاسخ این سؤال افزایش هزینه باشد، نمی‌توان صرفاً با ثابت نگه‌داشتن نرخ رسمی بنزین ادعا کرد فشار معیشتی ایجاد نشده است. اقتصاد خانوار با اعداد روی کاغذ زندگی نمی‌کند؛ با درآمد و هزینه واقعی زندگی می‌کند.

پرسش نهایی؛ چه کسی پاسخگوی این رفت‌وبرگشت‌هاست؟

اکنون دولت با چند مطالبه همزمان روبه‌رو است: مجلس افزایش قیمت بنزین را غیرقابل‌قبول می‌داند؛ مشاور رئیس داده است؛ رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی از سه سناریوی جدید سخن می‌گوید؛ اجرای طرح ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومانی در کرمان متوقف شده و جامعه نیز با بازخوانی وعده‌های انتخاباتی و واکنش‌های رسانه‌ای و هنری، خواستار توضیح روشن درباره آینده بنزین است. (Khabar Fori)

در چنین شرایطی، شفافیت دیگر یک انتخاب رسانه‌ای نیست؛ بخشی از ضرورت سیاست‌گذاری اقتصادی است. دولت باید روشن کند تصمیم نهایی درباره بنزین چیست، سه سناریوی مطرح‌شده چه سرنوشتی پیدا می‌کنند، سقف مصرف چگونه تعیین خواهد شد، تکلیف مصرف مازاد چیست، چه تضمینی برای جلوگیری از افزایش غیرمستقیم قیمت کالاها وجود دارد و مهم‌تر از همه، هزینه اصلاح ناترازی قرار است میان دولت، تولیدکننده و مصرف‌کننده چگونه تقسیم شود.

همزمان، مطالبه از مجلس و دستگاه‌های نظارتی نیز روشن است: اگر افزایش قیمت بنزین ممنوع یا منتفی شده، آیا بر فرآیند تصمیم‌گیری و نحوه طرح و اعلام سیاست‌های بنزینی نظارت خواهد شد؟ آیا مشخص خواهد شد طرح کرمان با چه مجوزی اعلام شد و چرا متوقف شد؟ و آیا قرار است مسئولیت تصمیم‌های اقتصادی مهمی که مستقیماً بر معیشت مردم اثر می‌گذارند، در نهایت به یک خبر، یک تکذیب و یک لغو محدود شود؟

مسئله امروز فقط بنزین ۸۷ هزار تومانی نیست؛ مسئله اعتماد، قدرت خرید و نحوه تصمیم‌گیری درباره معیشت میلیون‌ها ایرانی است. اگر قرار است قیمت‌ها جهانی شوند، مردم حق دارند بپرسند درآمدها چه زمانی جهانی می‌شوند؛ و اگر قرار نیست درآمدها جهانی شوند، چه کسی باید پاسخ دهد چرا هزینه‌اصلاح ناترازی بار دیگر بایداز جیب خانوار پرداخت‌شود؟

بنزین با تعرفه جهانی، حقوق با تعرفه ایرانی؛ این شاید کوتاه‌ترین جمله برای بیان بلندترین پرسش اقتصادی امروز جامعه باشد.

این روزها اینترنت به بخشی از آموزش و سرگرمی کودکان تبدیل شده است، اما در عین حال احتمال سوءاستفاده از آن‌ها در این فضا وجود دارد.

زمان‌بندی مشخص برای استفاده از اینترنت و تشویق کودکان به فعالیت‌های غیرآنلاین، از راهکارهای اصلی ایجاد امنیت دیجیتال است.

همچنین استفاده از نرم‌افزارهای کنترل والدین و آموزش عدم انتشار اطلاعات و تصاویر شخصی، نقش مهمی در حفاظت از فرزندان در فضای مجازی دارد.

خبر

در گفتگو با رییس انجمن صنفی کارگران ساختمانی گرگان عنوان شد؛

ضرورت افزایش قدرت مطالبه‌گری انجمن‌های صنفی / ضعف نهاد گرای در برخی تشکل‌ها

رییس انجمن کارگران ساختمانی شهرستان گرگان گفت: متأسفانه قدرت مطالبه‌گری انجمن‌های صنفی در استان برای رفع مشکلات اعضای آن بخصوص جامعه کارگری باید افزایش پیدا کند چرا که روند فعلی کمکی به رفع مشکلات نمی‌کند.

علی اصغر دهسنگی در گفتگوی اختصاصی با خبرنگار سرویس اقتصادی بازار کسب و کار اظهار کرد: انجمن‌های صنفی همواره به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای قدرتی برای دفاع مشروع از حقوق زیر مجموعه خود در بخش‌های مختلف نقش پرنگی در دفاع از اعضا داشته وئ این مساله در حوزه کارگری اهمیت ویژه ای پیدا می‌کند.

وی افزود: انجمن‌های صنفی چاقوی دولبه هستند به این معنا که هم می‌توانند مطالبات کارگران را هدایت کنند و به گوش مراجع قدرت برسانند و هم مطالبه‌گری را به قهقرا ببرند و سبب‌ساز بدبینی کارگران به کار صنفی شوند.

دهسنگی بیان کرد: کارگران همیشه در صف اول تولید و فعالیت‌های اقتصادی کشور قرار دارند. در حالی که بسیاری از مردم، روزانه در رفاه نسبی زندگی می‌کنند، این کارگران هستند که با دست‌های خالی خود، پشت‌کارشان و چشمان پرامیدشان، اقتصاد را به حرکت درمی‌آورند.

وی افزود: تشکل‌های صنفی مستقل که از درون خود کارگران شکل بگیرند و بتوانند حقوق واقعی کارگران را مطالبه کنند، می‌توانند نقش بسیار مؤثری در بهبود شرایط داشته باشند.

دهسنگی بیان کرد: در بسیاری از موارد، تجربه عملی نشان داده است که برخی دولت‌ها تاب‌آوری بسیار محدودی در برابر مطالبه‌گری قانونی تشکل‌های کارگری دارند. در چنین شرایطی، تأثیرگذاری بر فرآیندهای تأیید صلاحیت، حمایت از چهره‌های نزدیک به ساختارهای اجرایی یا شکل‌گیری مسیرهای رانتی در درون تشکل‌ها می‌تواند به تدریج توازن نمایندگی واقعی در این نهادها را تغییر دهد

وی با بیان اینکه ضعف نهادگرایی در برخی تشکل‌ها نیز قابل‌توجه است، اظهار کرد: در مواردی فعالیت‌های صنفی به جای آنکه بر پایه ساختارهای پایدار، کمیته‌های تخصصی، اتاق‌های فکر و برنامه‌های بلندمدت استوار باشد، حول اشخاص ذی‌نفوذ شکل می‌گیرد. تجربه جهانی نشان می‌دهد اتحادیه‌های موفق دارای واحدهای پژوهشی، تیم‌های حقوقی، نظام‌های آموزشی برای رهبران صنفی و ساختارهای حرفه‌ای برای مذاکرات جمعی هستند. پیامدهای این ضعف نهادی در حوزه‌های مختلف زندگی کارگران قابل مشاهده است.

به گفته دهسنگی یکی از چالش‌های اساسی در کشور را می‌توان در میزان و نوع مداخله ساختاری دولت‌ها در حیات تشکل‌های کارگری مشاهده کرد؛ وابستگی که قدرت مطالبه‌گری مستقل را کاهش می‌دهد.

طلای سرخ علیه مهاجرت روستاییان گلستان



علی اصغر تیموریان

عکس: ستایش محمدیاری

کوچه پس‌کوچه‌های روستای کوهستانی وامنان آزادشهر این روزها بوی زعفران گرفته و خانه‌های گلی و قدیمی این روستا که در سال‌های نه‌چندان دور، دلتنگ صدای اهالی مهاجرت کرده شده بود، حالا و در آستانه فصل کاشت، شاهد جنب و جوش مردم و به خصوص جوانان برای شروع یک دوره جدید و حرکت به سمت بهبود معیشت است.

بازار کسب و کار- سرویس اقتصادی؛ اهالی روستای وامنان به دلیل اصرار بر کشت گندم و جو در زمین‌ها، درآورد زیادی نداشتند و یکی پس از دیگری مهاجرت را برای ادامه زندگی و تلاش برای بهبود اوضاع خانواده انتخاب کردند اما یک تصمیم بزرگ، روستاییان را از کاشت گندم و جو منصرف کرد و مهاجران روستا را وادار به فروش خانه و املاک در شهرها و بازگشت به زادگاه پدری خود نمود.

کشت زعفران در وامنان به دلیل صرفه اقتصادی بسیار زیاد و بیشتر از گندم و جو دیگر محصولات سنتی، بیش از گذشته مورد توجه بهره‌برداران قرار گرفته و این گیاه کم‌آبر که از گران‌ترین ادویه‌های ایرانی به شمار می‌رود، نه فقط از طریق محصول نهایی، بلکه با فروش پیاز هم به منبع درآمدی پایدار برای کشاورزان تبدیل شده است.

برداشت گل زعفران در پاییز آغاز می‌شود، اما در دل تابستان نیز زمین‌های زیر کشت این محصول بی‌کار نمی‌مانند. برداشت پیازچه زعفران از باغ‌هایی که بیش از پنج سال از عمرشان می‌گذرد و نیاز به استراحت یکساله دارد، در میانه فصل گرم سال انجام می‌شود و به تنهایی یک مسیر درآمدی دیگر برای کشاورزان ایجاد کرده که تا حدود یک ماه ادامه دارد.

بر اساس اطلاع خبرنگار ایرنا، امسال فروش پیازچه زعفران از کیلویی ۱۵۰ هزار تومان در ابتدای برداشت آغاز شده و به ۲۲۰ هزار تومان نیز خواهد رسید همچنین از هزار متر مربع باغ زعفران با عمر بالای پنج سال و بسته به مراقبت از مزرعه از ۲ تا چهار تن هم می‌توان پیازچه زعفران برداشت کرد.

به گفته فعالان این حوزه، پیازچه‌های تولیدی وامنان به دلیل شرایط خاص خاک و اقلیم منطقه، کیفیت مطلوبی دارند و حتی از نظر بازرهی، نسبت به برخی مناطق مشهور تولید زعفران مانند تربت‌حیدریه، قوچان و فاروج، عملکرد بهتری نشان می‌دهند که یکی از نشانه‌های انی کیفیت، باردهی زودتر نسبت به نمونه‌های مشابه است.

کاشت زعفران هرچند با هزینه‌های اولیه قابل توجهی برای آماده‌سازی زمین، خرید پیاز و دستمزد کارگران همراه است، اما آگاهی کشاورز از قیمت تمام‌شده محصول و ارزش بازار زعفران خشک، این دشواری را به سرمایه‌گذاری امیدبخش تبدیل کرده است.

بر اساس برآوردهای محلی، ایجاد باغ زعفران در سطح هزار متر مربع، به ۳۰۰ کیلوگرم پیازچه نیاز دارد که در صورت رسیدگی مناسب، مقابله با آفات، وجین به‌موقع، آبیاری درست و حفاظت از مزرعه در برابر حیوانات وحشی، از هر هزار متر مربع هم می‌توان تا سه کیلوگرم زعفران خشک برداشت کرد که در مقایسه با کشت‌هایی مانند گندم، جو و عدس، توجیه اقتصادی بسیار بالاتر دارد.

ابتکار یک روستا، الگویی برای منطقه

یکی از اهالی روستای وامنان که پس از بازنشستگی، به روستا بازگشته است، با اشاره به تحول زعفران در وامنان و روستاهای همجوار طی یک دهه اخیر گفت: این اقدام، ریشه در ابتکار روحانی روستا دارد که دو دهه پیش با آوردن پیاز زعفران، مسیر تازه‌ای برای کشاورزی این منطقه باز کرد

احمد شاملو افزود: این تجربه نشان داد که ورود یک محصول راهبردی فقط به یک مزرعه محدود نمی‌شود و به شکل‌گیری زنجیره‌ای از فعالیت‌های

چگونه اینترنت را برای کودکان امن کنیم؟

رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان :

اعتبار پاداش پایان خدمت بازنشستگان سال گذشته تأمین شد



رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گلستان گفت: اعتبار پاداش پایان خدمت بازنشستگان سال ۱۴۰۴ دستگاه‌های اجرایی مشمول اعتبار هزینه‌ای استانی، تأمین و ابلاغ شد.

به گزارش سرویس اقتصادی بازار کسب و کار، قدرت الله عابدی با اعلام این خبر اظهار کرد: فرآیند تسویه مانده مرخصی بازنشستگان سال ۱۴۰۴ نیز با موفقیت به پایان رسیده و تمامی تعهدات مربوط به مانده مرخصی سال گذشته، تا پایان تیرماه سال جاری به صورت کامل تأمین و به حساب بازنشستگان واریز شد.

وی افزود: این اقدام در قالب پیگیری‌های سازمان جهت حمایت از بازنشستگان و تسهیل اموررفاهی‌آنهاصورت‌گرفته‌است.

عابدی افزود: با توجه به شرایط جنگی و مشکلات بازنشستگان در تأمین هزینه های زندگی لذا تأمین این منابع به سرعت انجام شد تا از فشارهای معیشتی این قشر کاسته شود.

رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان بیان کرد: مدل جدید توزیع اعتبارات سال ۱۴۰۵ با رویکرد عدالت‌محوری و تمرکز بر حوزه‌هایی چون آب، سلامت، عدالت آموزشی، کشاورزی، گردشگری و اقتصاد دانش‌بنیان تدوین شده است.

وی ادامه داد: قرار نیست تمام مسائل کوچک و بزرگ استان را به یک اندازه دنبال کنیم؛ بلکه باید مسائل اساسی، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های اقدامی را اولویت‌بندی کرده و پروژه‌های مهم و محوری را در حوزه زیرساخت‌های اقتصادی و طرح‌های توسعه‌ای در دستور کار قرار دهیم.

وی با اشاره به اعتبارات سفر رئیس‌جمهور به استان گلستان اظهار کرد: در سال نخست اجرای مصوبات سفر، بیش از سه هزار و ۷۷۸ میلیارد تومان اعتبار محقق شد که این میزان معادل بیش از ۱۰۲ درصد تعهدات پیش‌بینی شده بود.

عابدی افزود: برای سال دوم نیز حدود ۹۶۵۰ میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی شده که بخشی از آن از محل منابع ملی و بخشی نیز از محل اعتبارات استانی تأمین خواهد شد.

وی گفت: تلاش می‌کنیم منابع مربوط به پروژه‌های مهم استان، از جمله پروژه‌های حوزه آب، درمان آموزش و سایر طرح‌های اولویت‌دار، در چارچوب منابع پیش‌بینی‌شده تأمین و ابلاغ شود.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گلستان از طراحی مدل جدید برای توزیع اعتبارات خبر داد و گفت: برای توزیع عادلانه اعتبارات سال ۱۴۰۵ از روش سلسله‌مراتبی‌فازی استفاده‌شده‌است.



آیاتعطیلات رسمی جزء مهلت های دادگاه محسوب می شوند؟

کم و بیش همه مردم با اختاریه های دادگاه برای خود یا آشنایان مواجه بوده اند مثل مهلت ۲۰ روز اعتراض به رای یا مهلت ۷ روز اعتراض به نظر کارشناس و امثال آن...

آنچه اهمیت دارد این است که مهلت همیشه از روز بعد از ابلاغ شروع می شود(یعنی خود روز ابلاغ در شمارش به حساب نمی آید) و اگر در بین مهلت اعلام شده، تعطیلی رسمی باشد جزء مهلت محاسبه می شود و فقط اگر روز آخر مصادف با تعطیلی رسمی باشد روز بعد از تعطیلی می بایستی مراجعه کرد وگرنه این گونه نیست که تعطیلی ها را بشمارند و از مهلت اعلام شده دادگاه کم کنند.

۱۰۰ روز از ناپدید شدن یک لنج صیادی ایرانی در اقیانوس هند؛

معمای «شاهین ۲» و بالگردهای آمریکایی

ستاره حجتی



چون پدرش را قبلاً از دست داده، برای تأمین مخارج خانواده مجبور به کار روی لنج شده است. بقیه نیز در سنین بین ۲۶ تا ۳۲ سال هستند. مسن‌ترین آنها که آشپز لنج است، حدوداً ۴۰ ساله است.

شایعه هدف‌قرارگرفتن مستقیم لنج

«رحیم» یکی از صیادان کنارکی است که با لنج برادرش، «ناخدا منصور»، دو هفته پس از این حادثه، درست به نقطه‌ای می‌رسند که لنج شاهین ۲ از صفحه رادار محو شد: «لنج‌های دیگر آن زمان در دریا به ما خبر دادند که شاهین ۲ مورد حمله ناوهای آمریکایی قرار گرفته است. این ماجرا پس از شروع محاصره دریایی بود. گویا ناو آمریکایی به یک کشتی تجاری هشدار می‌دهد که متوقف شود، اما کشتی از موقعیت خودش خارج می‌شود. شاهین ۲ هم در نزدیکی کشتی قرار داشته است. لنج‌های اطراف، انفجار کشتی را دیده‌اند. ناخداها اینجا مختصات دقیق را هم می‌دانند. این اتفاق نزدیکی خط استوا افتاده است.»

رحیم تعریف می‌کند که در شهر کنارک هم قبلاً شایع شده بود که شاهین ۲ هدف حمله مستقیم قرار گرفته است. این حرف‌ها همه از دریا می‌آید و ملوان‌هایی که می‌آیند تعریف می‌کنند: «ما ابتدا گفتیم شایعه است. اما وقتی رفتیم دریا، مطمئن شدیم. گویا کشتی‌ها با سیستم AIS در دریا تماس‌هایی با ناوهای آمریکا داشته‌اند. در خط استوا بودیم که به ما خبر دادند که حتماً مورد اصابت قرار گرفته است. لنج‌هایی که سنگار (دو یا چند لنج که در کنار هم حرکت می‌کنند) هم بودند، گفتند ما دیدیم که این لنج منفجر شد. البته همه اینها را ما شنیده‌ایم، ولی با چشم ندیده‌ایم چه اتفاقی افتاده است. اما دقیقاً این را گفتند: لنج منفجر شده است.»

AIS یک سیستم فرستنده ـ گیرنده است که هویت، موقعیت و سایر اطلاعات حیاتی کشتی را منتقل می‌کند و می‌تواند برای کمک به ناوبری، بهبود ایمنی دریایی و ردیابی شناورها برای مدیریت ناوگان یا اجرای قانون دریایی استفاده شود.

هیچ‌کس هنوز نمی‌داند چه بر سر صیادها آمده است. هیچ مسئولی پاسخ دقیقی نمی‌دهد. حالا نه‌فقط ۱۷ صیاد مفقود شده‌اند، بلکه خانواده‌های آنان نیز شرایط بحرانی را تجربه می‌کنند؛ شرایطی که در روزها و شب‌های زیر بمباران، اوضاع را وخیم‌تر هم کرده بود. برخی از این خانواده‌ها بیش از یک فرزند در لنج داشتند. برخی از این صیادها، نان بیش از یک خانواده را می‌دادند.

«همه‌چیز را نسیه می‌خریم»

«نادیه» همسر «اقبال گنگذاری» است: «فقط می‌دانیم که بی‌سیم قطع شده است و دیگر خبری از صیادها نیست. هیچ مسئولی پیگیری نکرد. برای همین ما از هیچ‌چیز خبر نداریم. فقط صیادهای دیگر در لنج‌های دیگر گفتند که دو بالگرد آمریکایی آمدند بالای لنج و از همان زمان صدا قطع شد. این را لنج‌های دیگر تعریف کرده‌اند. این لنج‌ها بعد از ۷۰ روز آمدند و به ما گفتند که آخرین بار «شاهین ۲» با بالگردهای آمریکایی دیده شده است.»

نادیه و اقبال سه فرزند دارند: طهورا ۱۱ ساله، صدف ۷ ساله و تارای ۴ ساله. سه فرزند پدری که خودش متولد ۱۳۷۹ است: «در این مدتی که اقبال نیست، ما همه‌چیز را نسیه از مغازه‌ها تهیه می‌کنیم. اقبال سرپرست دو خانواده بود. مسئول زندگی پدر و مادرش هم بود. الان هیچ‌کدام دیگر کسی را نداریم تا نان‌آورمان باشد. منتظر هستیم تا اقبال بیاید و بتوانیم پولشان را بدهیم. خانم، برای ما پیگیر باشید. ما از شما انتظار داریم. ما فکر می‌کنیم اقبال و همکارانش اسیر هستند. ما فکر می‌کنیم آمریکا اینها را اسیر کرده و به یکی از کشورهای عربی برده است.»

«جمیله» خواهر اقبال است. او می‌گوید: «اقبال چهار خواهر دارد و خودش همین یک پسر است. پدرم پیر است. سه ماه است این اتفاق افتاده است، اما کسی جز پدر ناخدا موضوع را پیگیری نمی‌کند.»

«عبدالله» پسر «مرادبخش نوحانی» است؛ پسری که حالا در نبود پدر تلاش می‌کند تا خانواده را اداره کند: «ما شش بچه‌ایم؛ سهیلا، عبدالله، داوود، رحمت‌الله، بیت‌الله،

می‌کند: «۲۰ اسفند ۱۴۰۴، در حالی که حدود ۴۰ تن ماهی داشتیم، مورد حمله موشکی قرار گرفتیم. در زمان حادثه، بی‌سیم لنج روشن بود و پس از اصابت نخستین موشک یا پهپاد، بلافاصله از طریق کانال ۱۶ بین‌الملل اعلام کردیم که ما یک شناور صیادی هستیم. اما هیچ توجهی به این اعلان نشد و در ادامه دو موشک دیگر نیز به سمت لنج شلیک شد.»

عبدالصمد تعریف می‌کند: «در نهایت، لنج متلاشی و کاملاً غرق شد. خدمه با استفاده از تورها و وسایل شناوری که به یکدیگر متصل کرده بودند، روی آب ماندند. روز اول، در شرایط سخت، بدون آب و غذا، در میان امواج دریا سپری کردیم و مجروحان ما به‌دلیل شدت جراحت جان باختند. روز دوم، یک ناو آمریکایی ما را دید، اما با وجود اینکه دید مجروح داریم، هیچ اقدامی نکرد. شب سوم، ناو ارتش هندوستان ما را نجات داد. بعد از انجام اقدامات اولیه درمانی، با هماهنگی کشور عمان، به عمان منتقل شدیم.»

عبدالصمد می‌گوید: «با وجود درخواست‌های مکرر برای تماس با خانواده‌ها یا مقامات در ایران، تا حدود دو ماه چنین اجازه‌ای نداشتیم. سرانجام با پیگیری سفارت ایران در عمان، ما به خانه برگشتیم.»

«محمد گریک گلستان»، از خدمه اسلامی ۲ که در شب حادثه از ناحیه دست و گردن آسیب دید نیز همین روایت را دارد.

هنوز شهادت دریانوردان احراز نشده است

«واحد بهش عنبری»، «نذیر بلوچ»، «محمد بادره»، «دانیال خاتونی»، «محمد خویی» و «جاسم خدازاده» در این حمله جان باختند و عبدالصمد می‌گوید: «ناخدای لنج، محسن آیین، محمد گریک گلستان، سعید آیین، ازبر افضل زایی، عبدالغنی رئیس، عبدالرحمن بادروزه، صمد و حسن بلوچ آن روز مجروح شدند. ما تلاش کردیم که شهدای این حادثه از سوی بنیاد شهید به‌عنوان شهید وطن پذیرفته شوند، اما هنوز مسئولان آن را نپذیرفته‌اند.»

عبدالصمد می‌گوید: «همه‌چیز ما نابود شد. لنج به‌تمامی از دست رفت. حالا خانواده‌های جان‌باختگان مانده‌اند بدون درآمد، مستمری یا هیچ‌چیز دیگری. امیدوارم بررسی آنچه بر لنج ما گذشته است، هرچه زودتر تمام شود. امیدوارم صیادان لنج شاهین ۲ هم جایی زنده باشند. حداقل اسیر شده باشند تا مثل ما، حتی بعد از گذشت چند ماه هم که شده، به خانه برگردند.» / پیام ما

نصرالله. سهیلا که فرزند اول پدرم است، ازدواج کرده و با ما زندگی نمی‌کند. من بزرگ‌ترین پسر مراد هستم که ۱۵ سال دارم. برادرهایم از من کوچک‌تر هستند.»

عبدالله می‌گوید که در نبود پدر باید به کارها و امور خانه رسیدگی کند، اما جایی برای کار کردن ندارد تا بتواند گره‌ای از مشکلات مالی خانواده در این چند ماه باز کند: «ما ساکن باهوکلات هستیم. من در دشتیاری (نزدیک‌ترین شهر به باهوکلات) خیلی به شرکت‌ها یا جاهایی که می‌شود کار کرد، سر می‌زنم، اما شرکت‌ها به من کار نمی‌دهند. می‌گویند سنت کم است. پدربزرگ من فوت شده است و عمو و دایی‌هایم هم از ما خیلی دور هستند. حالا مادربزرگمان یا کسی برایمان چیزی می‌آورد. مادرم موضوع مفقود شدن بابا را خیلی پیگیری کرده است. اما همه می‌گویند خبری نداریم. حالا فقط انتظار می‌کشیم تا پدر برگردد.»

«برادرم هنوز نمی‌داند قرار است پدر شود»

«سارا» خواهر «مهران رنجبر» است: «مهران حدود ۲۳، ۲۴ سال دارد. زنش برادر است، اما خودش خبر ندارد. وقتی رفت، خانمش فهمید که حامله است. هنوز نمی‌داند قرار است پدر شود.»

سارا می‌گوید پیگیری‌های زیادی انجام داده‌اند، اما به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌اند: «تا تهران رفتیم، سراغ نماینده هم گرفتیم. هلال‌احمر هم رفتیم. فقط می‌گویند ما پیگیری می‌کنیم، اما ما هنوز نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است. مهران و همسرش خانه و زندگی جدا داشتند. مهران هرچه درمی‌آورد، به ما هم می‌داد. پدرم زنده است، اما پیر و مریض است و نمی‌تواند کار کند. پدر حالا بازنشسته است. الان زندگی خیلی سخت شده است. ما داریم با بارانه و کالابریک زندگی می‌کنیم. آن چنان هم جواب نمی‌دهد. همان اول هلال‌احمر کمی خوراکی به ما داد. ما هم گرفتیم و خدا را شکر کردیم.»

ماجرایی مشابه برای لنجی دیگر

هیچ مسئولی تا زمان تنظیم این گزارش، اظهار نظر رسمی درباره این حادثه نکرده است. نه ابعاد آن معلوم است و نه گمانه‌زنی درباره سرنوشت ۱۷ صیاد لنج شاهین ۲. اما روایت‌ها همه بر مداخله آمریکایی‌ها پس از محاصره دریایی ایران حکایت دارد. اگرچه این نخستین حادثه مفقودی لنج در دوره جنگ ۴۰ روزه نبود. «عبدالصمد آیین»، مالک «اسلامی ۲»، لنج صیادی مورد اصابت قرار گرفته، درباره این حادثه تعریف

هنوز هیچ مقام رسمی گزارشی از اصابت موشک به این شناور صیادی ارائه نکرده است. حالا خانواده‌ها می‌گویند منتظریم تا پدران و همسرانمان به خانه برگردند. شاید آنها هم مانند صیادهای لنج اسلامی ۲، جایی اسیر باشند.

بازار کسب و کار- سرویس اجتماعی: ۱۵ اردیبهشت برای «لنج صیادی شاهین ۲» در اسکله صیادی «کنارک» سیستان و بلوچستان، مانند هر روز دیگری که عازم دریا بود، شروع شد. قرار بود همراه با شش لنج دیگر راهی اقیانوس شود تا تورهای ماهیگیری را بگسترانند و دست‌پر، دوباره به کنارک برگردد. هر صیاد خرج بیش از یک خانواده را می‌دهد و همین بود که صیادان در روزهای جنگ هم باید رهسپار دریا می‌شدند. اما دریا آن روزها رازآلود و خطرناک بود. شاهین ۲ تا همین حالا هم به ساحل برنگشته و سرنوشت ۱۷ جاشو و ناخدایش در هاله‌ای از ابهام مانده است. هیچ‌کس نمی‌داند چه بر سر آنها آمده است. فقط همین را می‌دانیم که لنج‌های دیگر، اصابت موشک‌های آمریکایی به کشتی‌ای در نزدیکی شاهین ۲ را دیده‌اند. پس از آن دیگر هیچ‌کس این لنج را ندید. چند ماه پیش از آن هم، در روزهای نخست جنگ ۴۰ روزه، «اسلامی ۲» لنجی بود که در دریا مورد اصابت پرتابه‌هایی قرار گرفت که معلوم نیست موشک بود یا پهپاد. با این حال، شش نفر از صیادان در همان دریا جان باختند و مابقی پس از سه روز بلاتکلیفی در دریا، با کمک یک ناو نظامی هندی به عمان منتقل شدند و بعد از ۷۰ روز به خانه بازگشتند. مسئولان هنوز جزئیات اصابت پرتابه به «اسلامی ۲» را تأیید نکرده‌اند. درباره شاهین ۲ نیز، با وجود گزارش‌های محلی و لنج‌هایی که به دریا رفت‌وآمد کرده‌اند، هنوز هیچ مقام رسمی گزارشی از اصابت موشک به این شناور صیادی ارائه نکرده است. حالا خانواده‌ها می‌گویند منتظریم تا پدران و همسرانمان به خانه برگردند. شاید آنها هم مانند صیادهای لنج اسلامی ۲، جایی اسیر باشند.

ناخدا «حمید بلوچ»، «مهران بلوچ»، «مهران رنجبر»، «اقبال گنگذاری»، «اسماعیل بکرای»، «عادل، فرید و محمد رزمی»، «عبدالله روزافزا»، «رضا پیرایش»، «محمد رئیس»، «جاسم، مهرزاد و حامد دهانی» و «مرادبخش نوحانی» نام ۱۷ صیادی است که روی لنج «شاهین ۲» در «کنارک» سیستان و بلوچستان کار می‌کنند و مانند همه صیادان این منطقه، وقت صید دل به دریا می‌زنند و تا آب‌های آزاد پیش می‌روند. بامداد ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ اسر نوشت برای ناخدا حمید و ۱۶ جاشو و صیاد لنجش، اتفاقی عجیب رقم زد. از آن روز تا امروز، خبری از آنها نیست.

ناپدید شدن از رادار

ساجد، مالک اصلی و پدر ناخدا «حمید» است: «لنج شاهین ۲ روز ۱۵ اردیبهشت از بندر کنارک عازم آب‌های آزاد می‌شود. کنارک یک شهر صیادی است و اکثریت مردان صیاد هستند. صیدگاه آنها در اقیانوس هند است. شاهین ۲ هنگام حرکت ۱۷ سرنشین داشت که یک نفر آنها پاکستانی و بقیه ایرانی بودند. آنها به‌همراه شش لنج دیگر عازم شده بودند. لنج‌های همراه می‌گویند که بامداد ۱۷ اردیبهشت حوالی ساعت ۱۲:۳۰ تا یک بامداد، در ۸۰ مایلی سواحل عمان، به‌طور ناگهانی شاهین ۲ از صفحه ناوبری و ردیابی آنها ناپدید می‌شود و کمی بعد یک بالگرد آمریکایی را می‌بینند که سعی در متفرق کردن این گروه لنج‌ها دارد. تا الان نیز هیچ خبری از شاهین ۲ نداریم. خانواده‌های خدمه این لنج بسیار نگران عزیزانشان هستند و از مسئولان توقع دارند که به‌جای گمانه‌زنی، واقعیت ماجرا را کشف کنند و به اطلاع آنها برسانند.»

ساجد توضیح می‌دهد: «ما در نامه‌ای که به سفارت عمان ارسال کردیم، درخواست بررسی موضوع را کرده‌ایم اما آنها می‌گویند در اطراف عمان کسی چنین اتفاقی را گزارش نکرده است. در صورتی که در اوایل جنگ چهل‌روزه، در آخرین روزهای سال ۱۴۰۴، حادثه مشابهی برای یک لنج (اسلامی ۲) رخ داد و همان زمان هم به نامه مشابهی که ارسال شده بود، همین جواب را دادند. در صورتی که تعدادی از خدمه‌ای که زنده مانده بودند در اختیار کشور عمان بودند و به ایران بازگردانده شدند. به همین خاطر، خانواده‌های خدمه شاهین ۲ نیز انتظار پیگیری بیشتر دارند تا وضعیت عزیزانشان مشخص شود. این ۱۷ نفر نان‌آور خانواده‌شان هستند و هر کدامشان را که پیگیری کنید، می‌بینید که از خانواده‌ای کم‌درآمد هستند و نبودن آنها باعث فشار زیادی به خانواده‌هایشان می‌شود. مثلاً سه برادر از یک خانواده و سه برادر از خانواده‌ای دیگر در همین لنج بوده‌اند. یعنی مردان نان‌آور دو خانواده در همین لنج بوده‌اند که وضعیتشان مشخص نیست.»

یکی از دریانوردان این لنج نوجوانی ۱۷ ساله است که

کلاهبرداران اینترنتی با انتشار آگهی‌های فریبنده در شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های پیام‌رسان و سایت‌های تبلیغاتی، کلاهایی مانند پسته، برنج، روغن و سایر اقلام را با قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر از نرخ بازار عرضه می‌کنند تا اعتماد کاربران را جلب کنند. پس از دریافت وجه، یا کالایی ارسال نمی‌کنند و یا اجناس بی‌کیفیت و مغایر با سفارش تحویل می‌دهند. قبل از هرگونه خرید اینترنتی، اعتبار فروشنده را بررسی کرده و فریب قیمت‌های وسوسه‌کننده را نخورید. سعی کنید خریدهای خود را تا حد امکان به‌صورت حضوری انجام دهید. در صورت خرید اینترنتی، حتماً قبل از پرداخت، قیمت واقعی کالا را از چند منبع معتبر استعلام کنید.

رئیس اتحادیه طلا خبر داد:

کاهش ۲۰۹ میلیونی حباب سکه



کاهش حباب سکه به حدود ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان
رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران درباره وضعیت حباب سکه نیز گفت: حباب سکه طی یک تا دو هفته گذشته به صورت تدریجی کاهش داشته است. حباب سکه که در گذشته بیش از چهار میلیون تومان بود، اکنون به حدود دو میلیون و ۹۵۰ هزار تومان رسیده است.

بذرافشان دلیل این کاهش را تفاوت در میزان نوسان قیمت ارز، طلا و طلای آب‌شده و سکه دانست، بیان کرد: طلای آب‌شده مقداری بیشتر از سکه رشد قیمت داشته و همین موضوع باعث شده حباب سکه کاهش پیدا کند. در مجموع حدود یک میلیون و چند صد هزار تومان کاهش در حباب سکه داشته‌ایم که طی تقریباً دو سال گذشته، چنین کاهش‌ی را در این اعداد و ارقام نداشتیم و اکنون حباب سکه در بازار داخلی حدود ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با اشاره به روند قیمت‌ها در ماه‌های اخیر گفت: در مجموع قیمت‌ها طی دو ماه گذشته در محدوده ۱۸ تا ۱۹ میلیون تومان نوسان داشته و طی چند روز اخیر نیز به ۱۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. قیمت طلا در مقطعی به حدود ۱۹ میلیون و ۱۵۰ تا ۱۹ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان نیز رسید، اما اکنون در محدوده ۱۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان تثبیت شده است.

بذرافشان درباره چشم‌انداز قیمت‌ها در بازار داخلی اظهار داشت: احتمال اینکه قیمت‌ها کاهش داشته باشند و دوباره به کانال دو یا سه ماه گذشته که حتی تا محدوده ۱۶ میلیون تومان نیز رسیده بود، بازگردند، بسیار کم است. با توجه به تحلیل‌هایی که در سطح دنیا درباره آینده طلا وجود دارد، روند قیمت جهانی طلا همچنان افزایشی پیش‌بینی می‌شود.

پیش بینی ها از روند افزایشی طلا حکایت دارد

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران گفت: در تحلیل‌های جهانی پیش‌بینی می‌شود اونس طلا تا پایان سال ۲۰۲۴ میلادی دوباره به مرز ۵ هزار و ۵۰۰ تا ۶ هزار دلار برسد. در ابتدای سال ۲۰۲۴ نیز شاهد چنین افزایشی بودیم و اونس طلا تا محدوده ۵ هزار و ۶۳۰ دلار افزایش پیدا کرد و بر اساس تحلیل‌های موجود، احتمال دارد دوباره شاهد رسیدن قیمت اونس به آن محدوده باشیم.

بذرافشان ادامه داد: البته این اتفاق ممکن است در یک پروسه کوتاه‌مدت یا بلندمدت و حتی تا پایان سال میلادی رخ دهد، اما معمولاً تحلیل‌هایی که در سطح جهانی درباره روند طلا مطرح می‌شود، به واقعیت نزدیک است؛ بنابراین با توجه به تثبیت قیمت‌ها در محدوده ۱۸ تا ۱۹ میلیون تومان طی یک تا دو ماه گذشته و تثبیت قیمت سکه در محدوده ۱۸۲ تا ۱۹۰ میلیون تومان، احتمال اینکه کاهش قابل توجهی در بازار داشته باشیم، بسیار کم است.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران گفت: ممکن است در کوتاه‌مدت شاهد نوسانات کاهشی در بازار باشیم، اما این کاهش احتمالاً بین یک تا حداکثر سه درصد خواهد بود. در مقابل، ممکن است به صورت تدریجی و تحت تأثیر افزایش قیمت در بازار جهانی و در صورتی که نوساناتی در بازار ارز داشته باشیم، شاهد افزایش قیمت‌ها نیز باشیم.

بذرافشان ادامه داد: البته زمان و میزان این افزایش به این موضوع بستگی دارد که روند افزایش قیمت در بازار جهانی و همچنین بازار ارز در چه مقطع زمانی و در چه دوره‌ای اتفاق بیفتد و این روند در کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران در ادامه با اشاره به شرایط بازار داخلی اظهار داشت: شرایط بازار طلا و جواهر طی یک سال و اندی گذشته شرایط خوبی نبوده است.

وی خاطر نشان کرد: در ماه محرم و صفر، رکود و کاهش تقاضا در بازار به شدت افزایش یافت و به‌ویژه کاهش تولید نیز تکرار و تشدید شد. با توجه به اینکه اکنون دو روز است وارد ماه ربیع‌الاول شده‌ایم، شرایط بازار مقداری تغییر کند و شاهد یک شکوفایی و دگرگونی در این صنعت باشیم. امیدواریم رونق به صنعت طلا و جواهر بازگردد و فعالان این حوزه بتوانند از شرایط رکودی که طی ماه‌های گذشته بر بازار حاکم بوده است، خارج شوند. / ایرنا

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با اشاره به کاهش حباب قیمت سکه در بازار طی روزهای اخیر گفت: در شرایط کنونی ممکن است در کوتاه‌مدت شاهد نوسانات کاهشی در بازار باشیم اما این کاهش بین یک تا حداکثر سه درصد خواهد بود. بازار طلا و سکه در روزهای اخیر تحت تأثیر همزمان تحولات بازارهای جهانی و نوسانات بازار ارز، وارد مرحله‌ای تازه از نوسان قیمتی شده است؛ روندی که در کنار کاهش حباب سکه، از تغییر در نسبت رشد قیمت انواع دارایی‌های این بازار حکایت دارد.

در شرایطی که تقاضای داخلی همچنان با ضعف مواجه است و فعالان صنف از تداوم رکود و کاهش فعالیت تولیدی گلایه دارند، چشم‌انداز بازار بیش از گذشته به مسیر حرکت اونس جهانی و نرخ ارز در داخل وابسته شده است. از سوی دیگر، پیش‌بینی‌های بین‌المللی درباره ادامه روند صعودی طلای جهانی، احتمال بازگشت بازار به سطوح پایین‌تر قیمتی را با ابهام مواجه کرده و در مقابل، تداوم رشد تدریجی قیمت‌ها را به یکی از سناریوهای پیش‌روی بازار تبدیل کرده است. این شرایط در حالی رقم می‌خورد که بازار طلا و سکه طی ماه‌های گذشته در محدوده مشخصی نوسان کرده و فعالان بازار اکنون در انتظار مشخص شدن مسیر قیمت‌ها در ماه‌های پیش‌رو هستند.

نادر بذرافشان رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران درباره تحولات بازار طلا و سکه توضیح داد: در هفته گذشته، با وجود اینکه طی چند هفته تغییرات زیادی در بازار جهانی طلا نداشتیم، در یک هفته گذشته شاهد افزایش نسبی و قابل توجهی در بازارهای جهانی بودیم.

وی افزود: در مجموع طی ۱۰ روز گذشته حدود ۲۸۶ دلار افزایش تدریجی در قیمت اونس جهانی طلا داشتیم؛ اونس جهانی در این مدت از محدوده ۳ هزار و ۹۵۰ تا حدود ۴ هزار و ۴۵۰ دلار حرکت کرد و تا حدود ۴ هزار و ۴۳۰ دلار نیز افزایش یافت و اکنون در محدوده ۴ هزار و ۳۷۶ دلار قرار دارد. این افزایش نسبت به دوره‌هایی که طی چند ماه گذشته شاهد تغییرات و افزایش قابل توجهی در بازار جهانی طلا نبودیم، رشد نسبی بالایی محسوب می‌شود.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران گفت: اگر بخواهیم تغییرات قیمت اونس را در یک هفته گذشته بررسی کنیم، افزایش حدود ۳۴ دلاری را شاهد بودیم، اما در مجموع طی ۱۰ روز گذشته افزایش قیمت اونس جهانی به حدود ۲۸۶ دلار رسیده است.

وی اضافه کرد: بازار جهانی طلا در مقطعی حدود یک تا یک ماه و نیم در محدوده ۳ هزار و ۹۷۰ تا ۴ هزار دلار نوسان داشت، اما پس از آن به یکباره تا محدوده ۴ هزار و ۴۰۰ دلار افزایش پیدا کرد که اکنون قیمت اونس جهانی در محدوده ۴ هزار و ۳۷۶ دلار قرار دارد.

بذرافشان با بیان اینکه افزایش قیمت جهانی طلا بر بازار داخلی نیز اثر گذاشته است، اظهار داشت: این مسئله در کنار افزایش و نوسانات قیمت ارز طی حدود ۱۰ روز گذشته، موجب شد در بازارهای داخلی نیز هم طلا و هم سکه افزایش نسبی و قابل توجهی داشته باشند. در بازار داخلی، قیمت طلا از کانال ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان وارد کانال ۱۹ میلیون تومان شد و تا حدود ۱۹ میلیون و ۱۵۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد که اکنون در محدوده ۱۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان قرار دارد.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران ادامه داد: قیمت سکه نیز از محدوده ۱۸۲ میلیون و ۵۰۰ تا ۱۸۳ میلیون تومان به حدود ۱۸۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۱۹۰ میلیون تومان افزایش یافت و اکنون در محدوده ۱۸۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان قرار دارد.

وی درباره سایر انواع سکه نیز بیان کرد: در دو هفته گذشته قیمت سکه طرح قدیم حدود چهار میلیون تومان افزایش داشت و به حدود ۱۸۸ میلیون تومان رسید. نیم‌سکه نیز حدود یک میلیون تومان افزایش داشت و به ۹۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید.

بذرافشان افزود: ربع‌سکه نیز حدود ۴۰۰ هزار تومان افزایش داشت و به ۵۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسید. سکه یک گرمی بانک مرکزی نیز با حدود ۵۰۰ هزار تومان افزایش، به ۲۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید.

خبر

انعقاد تفاهم نامه راه آهن و منطقه آزاد تجاری اینچه برون؛

گامی بزرگ برای توسعه لجستیکی اینچه برون



در راستای تعیین تکلیف نحوه همکاری و تعامل دستگاه‌های مسئول در مدیریت و بهره‌برداری از ظرفیت‌های لجستیکی منطقه آزاد اینچه‌برون، تفاهم‌نامه همکاری میان سازمان منطقه آزاد تجاری ـ صنعتی اینچه‌برون و راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران با حضور معاون حقوقی رئیس‌جمهور به امضا رسید.

به گزارش سرویس اقتصادی بازار کسب و کار، این تفاهم‌نامه عصر روز ۲۵ مردادماه ۱۴۰۵، در نشستی با حضور حجت الاسلام والمسلمین مجید انصاری، معاون محترم حقوقی رئیس‌جمهور، حسین فروزان دبیر شورایی عالی مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی و ویژه اقتصادی، جبارعلی ذاکری مدیرعامل راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، حسن ملک حسینی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد تجاری ـ صنعتی اینچه برون، عبدالعلی کیانمهر معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان و جمعی از معاونان و مدیران در دفتر معاونت محترم حقوقی رئیس‌جمهور منعقد شد.

بر اساس این تفاهم‌نامه، سازمان منطقه آزاد اینچه برون و راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران درباره نحوه همکاری و تعامل در مدیریت و بهره‌برداری از مرکز لجستیک منطقه آزاد اینچه برون در مرز اینچه‌برون به تفاهم رسیدند.

این تفاهم با هدف رفع تداخلات وظایف، ایجاد سازوکار مشخص برای همکاری دستگاه‌های مرتبط و فراهم کردن زمینه بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های لجستیکی منطقه آزاد اینچه برون انجام شده است.

مرکز لجستیک منطقه آزاد اینچه‌برون با قرار گرفتن در نقطه اتصال ظرفیت‌های مرزی، ریلی و تجاری منطقه، از زیرساخت‌های مهم این منطقه برای توسعه حمل‌ونقل، ترانزیت و تجارت به شمار می‌رود و تعیین چارچوب مشخص برای مدیریت و بهره‌برداری آن می‌تواند نقش مؤثری در فعال سازی ظرفیت‌های لجستیکی اینچه برون داشته باشد.

در این نشست، همچنین بر ضرورت هم‌افزایی و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و متولیان حوزه لجستیک برای رفع موانع موجود و تسریع در بهره‌برداری از ظرفیت‌های منطقه تأکید شد.

گفتنی است، امضای این تفاهم‌نامه، گامی مهم در مسیر ساماندهی همکاری میان سازمان منطقه آزاد اینچه برون و راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و استفاده هدفمندتر از ظرفیت‌های ریلی و لجستیکی منطقه در مسیر توسعه تجارت و ترانزیت کشور به شمار می‌رود.



سه شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - سال دوازدهم - شماره ۱۵۲۸

معاون تربیت بدنی و سلامت وزیر آموزش و پرورش تأکید کرد؛

ارسال کاروان تجهیزات ورزشی و بهداشتی به مدارس در نیمه دوم شهریور ماه



معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش از هدف‌گذاری برای افزایش فضاهای ورزشی و بهداشتی مدارس، تجهیز ۷۲ هزار مدرسه و اجرای برنامه‌های متنوع ورزشی برای داشتن مهرماه آرام و بانشاط خبر داد.

به گزارش سرویس اجتماعی بازار کسب و کار، محمد جعفری از هدف‌گذاری برای افزایش فضاهای ورزشی و بهداشتی مدارس، تجهیز ۷۲ هزار مدرسه و اجرای برنامه‌های متنوع ورزشی برای داشتن مهرماه آرام و بانشاط خبر داد و گفت: الگو، مدل و برنامه‌ای که در بسته چندرسانه‌ای ارائه شده، کلیت اجرای برنامه‌های حوزه تربیت بدنی و سلامت را برای داشتن یک مهر آرام، بانشاط و بی‌دغدغه معرفی می‌کند.

وی با بیان اینکه ارتقای سرنانه فضاهای ورزشی به عنوان یکی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی اجرای درس تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی، در برنامه هفتم تکلیف شده است تا سرنانه فضای ورزشی آموزش و پرورش تا پایان برنامه هفتم به یک مترمربع برسد افزود: با حمایت وزیر آموزش و پرورش و مشارکت استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق، سال گذشته ۲ هزار و ۸۶۲ فضای ورزشی به فضاهای ورزشی کشور اضافه شد و اکنون ۱۲ هزار و ۶۶ فضای ورزشی در اختیار مدارس قرار دارد.

جعفری با بیان اینکه میانگین سرنانه فضای ورزشی کشور اکنون ۴۸ صدم مترمربع است و برای امسال نیز احداث و ایجاد ۳ هزار فضای ورزشی و ۲ هزار و ۳۷۴ فضای بهداشتی هدف‌گذاری شده است، یکی دیگر از مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی برنامه‌های ورزشی و سلامت‌محور را تجهیزات ورزشی و بهداشتی دانست و گفت: در تفاهم‌نامه‌ای که با ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها داشتیم، از استان‌ها خواستیم با مناطق و مناطق نیز با مدارس تفاهم‌نامه داشته باشند و نیازسنجی‌ها انجام شده است.

وی با بیان اینکه ۷۲ هزار مدرسه در نیمه دوم شهریورماه با ارسال کاروان تجهیزات ورزشی و بهداشتی، از این تجهیزات بهره‌مند خواهند شد ادامه داد: شبکه ملی یادگیری منابع انسانی با عنوان «شمیم» به‌هم‌آموزی، ازهم‌آموزی و باهم‌آموزی، فعالیت‌های بزرگی را برای معلمان، مدیران، کارکنان و دانش‌آموزان آغاز کرده است در تفاهم‌نامه‌های انجام‌شده با استان‌ها، موضوع منابع انسانی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

جعفری با بیان اینکه برنامه میدان پویا برای اجرا و ارزشیابی درس تربیت بدنی است گفت: این طرح از مهرماه برای داشتن یک مهر بانشاط آغاز خواهد شد.

جعفری با بیان اینکه المپیادهای ورزشی درون‌مدرسه‌ای نیز ابتدا به صورت بین‌کلاسی و سپس در سطح مدارس، منطقه‌ای، استانی و کشوری برگزار خواهد شد افزود: در حال حاضر هشت رشته ورزشی با مجوز مربوطه، از دو روز دیگر در شش منطقه کشور به صورت منطقه‌ای آغاز خواهد شد.

وی اظهار کرد: وزارت ورزش، وزارت بهداشت، وزارت کشور، سازمان حفاظت محیط زیست، جمعیت هلال احمر، شهرداری‌ها، فدراسیون‌ها و کمیته ملی المپیک باید در ستاد، استان‌ها و شهرستان‌ها در این زمینه مشارکت داشته باشند تا بتوان برای شادابی و نشاط دانش‌آموزان گام مؤثری برداشت.

مواد غذایی سرشار از پتاسیم

سبزیجات برگ سبز و صیفی‌جات (بهترین گزینه‌ها): اسفناج پخته، چغندر (لبو) پخته، سیب‌زمینی و سیب‌زمینی شیرین (پخته با پوست)، گوجه‌فرنگی و رب گوجه، کدو حلواپی/ میوه‌ها: آووکادو، خرما، طالبی و خربزه، موز، پرتقال و آب پرتقال تازه/ حبوبات و مغزها: لوبیا سفید، عدس، لوبیا قرمز و چشم‌بلبلی، بادام زمینی، بادام درختی و پسته/ ماهی و لبنیات: ماهی سالمون (آزاد)، ماهی تن، ماست ساده کم‌چرب، شیر کم‌چرب

هشدار مهم (چه کسانی نباید زیاد مصرف کنند؟) اگرچه پتاسیم برای عموم مردم فوق‌العاده مفید است، اما افرادی که کلیه‌های ضعیفی دارند (بیماران دیالیزی یا مبتلایان به نارسایی کلیه) یا افرادی که از برخی داروها استفاده می‌کنند حتماً باید قبل از افزایش مصرف پتاسیم با پزشک مشورت کنند، زیرا کلیه‌ها قادر به دفع پتاسیم اضافی نخواهند بود و این امر می‌تواند خطرناک باشد.

افزایش هزینه‌های تولید و تأمین مواد اولیه و همزمان محدودیت در واردات، بازار دارو را تحت فشار گذاشته است؛

گرفتار در قفس گرانی درمان



یاسر مختاری

توجه است.»

رئیس سازمان غذا و دارو افزود: «در حوزه هموفیلی، فیبریونژن به‌تازگی تأمین و توزیع شده و اگرچه میزان آن محدود است، اما موجود است. در مورد فاکتور ۱۳ نیز به دلیل نبود جایگزین، مذاکرات طولانی با شرکت مربوطه انجام شد تا قیمت مناسب‌تری حاصل شود. اگرچه قیمت همچنان از نظر ما مناسب نیست، اما برای حفظ جان بیماران مجبور به تأمین آن هستیم و این کار انجام شده است.»

توافق با بانک مرکزی برای تأمین ارز

پیرصالحی همچنین با تشریح آخرین وضعیت تأمین ارز دارو و تجهیزات پزشکی اظهار کرد: «در سال‌های گذشته معمولاً حدود پنج میلیارد دلار سهمیه ارزی برای حوزه غذا و دارو در نظر گرفته می‌شد، اما در پایان سال کمتر از چهار و نیم میلیارد دلار آن محقق می‌شد.

امسال سهمیه ارزی حدود چهار و نیم میلیارد دلار تعیین شده، اما با توجه به عقب‌افتادگی سال‌های گذشته، در تلاش هستیم این سهمیه به بیش از پنج میلیارد دلار افزایش پیدا کند. در دو سال گذشته حدود ۶۰۰ میلیون دلار عقب‌افتادگی داشتیم که باید جبران شود.»

پیرصالحی ادامه داد: «برای اینکه پایان امسال با مشکل کمبود منابع ارزی مواجه نشویم، با سازمان برنامه و بانک مرکزی توافق کردیم به جای اینکه سهمیه ارزی سازمان غذا و دارو به‌صورت یک‌دوازدهم در هر ماه تأمین شود، سهم بیشتری از ارز در چهار ماه نخست سال اختصاص پیدا کند تا بتوانیم ارز مورد نیاز را زودتر مصرف کنیم.

خوشبختانه این همکاری انجام شد و پیش‌بینی می‌کنیم، اگر اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ ندهد، بر اساس بودجه تنظیم‌شده، ارز مورد نیاز دارو و تجهیزات تأمین شود.»

پیرصالحی درباره آخرین وضعیت پرداخت ارز ترجیحی گفت: «تاکنون حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ارز ترجیحی پرداخت شده و پیش‌بینی می‌کنیم طی چهار تا پنج روز آینده حدود ۲۵۰ میلیون دلار دیگر نیز پرداخت شود؛ به این ترتیب، در پنج‌ماهه نخست سال تقریباً نیمی از ارز ترجیحی مورد نیاز پرداخت می‌شود.»

وی یادآور شد: «در بخش ارز غیرترجیحی نیز حدود ۸۰۰ تا ۸۵۰ میلیون دلار ارز برای شرکت‌های دارویی تخصیص یافته و حدود ۶۵۰ میلیون دلار از این میزان در چهار ماه نخست سال توسط شرکت‌های دارویی خریداری شده است و شرکت‌ها به دلیل کمبود نقدینگی در تأمین ارز غیرترجیحی مشکل دارند.»/ پیام ما

ایران که پیش از این حدود دو تا سه هزار دلار بود، امروز در برخی موارد به ۳۰ هزار دلار رسیده است. این هزینه‌ها با ارز آزاد پرداخت می‌شود و ارز ترجیحی شامل هزینه حمل نمی‌شود.»

پیرصالحی تأکید کرد: «از سوی دیگر، هزینه مواد اولیه در دنیا نیز افزایش یافته است. جنگ در خلیج فارس هزینه انرژی را افزایش داده و بر هزینه تولید مواد اولیه در کشورهایی مانند هند و چین اثر گذاشته است. بنابراین اگر قیمت دارو از حد مشخصی پایین‌تر باشد، کارخانه‌های داروسازی امکان ادامه فعالیت نخواهند داشت.

باید به تعادلی میان بیمار و تولیدکننده برسیم؛

به‌طوری که کمترین فشار به مردم وارد شود و از طرفی، باید سازمان‌های بیمه‌گر افزایش هزینه‌ها را پوشش دهند. هر دارویی که نتوانیم از داخل تأمین کنیم، ناچاریم با چندین برابر قیمت از شرکت‌های خارجی خریداری کنیم.»

سرنوشت داروهای اهدایی

پیرصالحی در پاسخ به پرسش دیگر «پیام ما» درباره وضعیت داروهای اهدایی کشورهای مختلف در زمان جنگ نیز اظهار کرد: «عمده داروهایی که توسط هلال‌احمر تحویل گرفته شد، با همکاری سازمان غذا و دارو و بر اساس سهمیه‌بندی استان‌ها و بیمارستان‌ها در همان شرایط جنگی توزیع شد. تعداد محدودی از داروهای اهدایی به دلایل مختلف باقی مانده‌اند که برخی از آنها اصلاً قابلیت مصرف ندارند؛ از جمله داروهایی که در فهرست دارویی ایران قرار ندارند. با این حال، هر داروی اهدایی که قابلیت مصرف داشته، توزیع شده است.»

مشکل در تأمین داروهای برند

رئیس سازمان غذا و دارو در ادامه درباره تأمین داروهای بیماران خاص، به‌ویژه بیماران هموفیلی و تالاسمی نیز گفت: «فاکتور هشت بیماران هموفیلی تأمین شده و مشکل خاصی در این زمینه نداریم. تنها در مورد نوع خاصی از فاکتور هشت، یعنی فاکتور فون‌ویلبراند، به دلیل وابستگی به یک شرکت اروپایی و مشکلات واردات، با محدودیت مواجه هستیم و در حال بررسی تأمین آن از منابع دیگر و کشورهای واسط هستیم.»

وی افزود: «تمام داروهایی که بیماران تالاسمی مصرف می‌کنند، نمونه ایرانی دارند و موجود است؛ با این حال، برخی بیماران با توجه به شرایط خاص خود درخواست داروی خارجی دارند که در برخی موارد موجود نیست و از سوی دیگر، اختلاف قیمت داروی خارجی با نمونه داخلی به دلیل پوشش‌های بیمه‌ای برای بیماران قابل

وی افزود: «فرزندم باید روزی ۱۰ تا ۱۲ کیسول مصرف کند، اما اکنون با مشکل شدید تأمین این داروها روبه‌رو هستیم. متأسفانه به دلیل اختصاص ندادن ارز ترجیحی یا دولتی، داروهای خوراکی این بیماران تأمین نمی‌شود و اگر این بیماران این داروها را نخورند، شریانشان بسیار نامناسب می‌شود.»

پدر این بیمار سی‌اف با انتقاد از بلا تکلیفی این بیماران در تهیه دارو یادآور شد: «چند بار با وزارت بهداشت در این خصوص صحبت کرده‌ایم و آنها نیز می‌گویند اختصاص ارز ترجیحی برای تأمین دارو بر عهده آنها نیست و باید بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه اختصاص دهند. امروز نیز درباره مشکلات دارویی این بیماران در وزارت بهداشت صحبت کردیم و قرار است دو هفته دیگر نمایندگان وزارت بهداشت، سازمان برنامه و تأمین اجتماعی جلسه‌ای در خصوص رفع مشکلات دارویی این بیماران داشته باشند.»

افزایش کنترل‌شده قیمت دارو

«مهدی پیرصالحی»، رئیس سازمان غذا و دارو، روز یکشنبه ۲۵ مردادماه در نشست خبری با خبرنگاران رسانه‌ها، دلایل وضعیت کنونی دارو را تشریح کرد. پیرصالحی در پاسخ به «پیام ما» درباره افزایش مداوم قیمت دارو اظهار کرد: «افزایش قیمت دارو کنترل‌شده است و در کمیسیون قیمت‌گذاری، بررسی و تعیین می‌شود.

از ابتدای سال دوبار افزایش قیمت گروهی داشتیم که در ۱۶ فروردین و اواسط خردادماه انجام شد و تقریباً دو سوم داروها در این دو مرحله قیمت‌گذاری شدند. خارج از این موارد، کمیسیون قیمت که هر دو هفته یک‌بار تشکیل می‌شود، داروهایی را که قیمت آنها بالا یا سود آنها غیرمنطقی باشد بررسی می‌کند. تعداد داروهایی که از ابتدای سال تاکنون بیش از یک بار افزایش قیمت داشته‌اند بسیار کم است، مگر اینکه شرایط خاصی وجود داشته باشد.»

رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به افزایش هزینه‌های تولید و واردات دارو ادامه داد: «وقتی قیمت محصولات جانبی و محصولات صنایع پتروشیمی افزایش پیدا می‌کند، مشخص است که هزینه تولید سرم، قرص، سرنگ، آنژیوپکت و ست سرم نیز افزایش می‌یابد. افزایش قیمت آلومینیوم نیز بر هزینه بسته‌بندی اثرگذار است.»

وی با اشاره به افزایش هزینه‌های حمل دارو گفت: «از ابتدای جنگ تا امروز تقریباً هر ماه هزینه حمل دارو و مواد اولیه افزایش پیدا کرده است؛ به‌عنوان نمونه، هزینه حمل یک کانتینر به

بازار دارویی کشور در ماه‌های اخیر با موجی از گرانی، کمبود برخی اقلام و دشواری در دسترسی و تأمین انواع داروها مواجه شده است. در این میان، بیماران خاص و نادر بیش از دیگران در معرض پیامدهای این وضعیت قرار گرفته‌اند. این وضعیت در حالی است که «مهدی پیرصالحی»، رئیس سازمان غذا و دارو، افزایش هزینه‌های تولید، واردات، حمل‌ونقل و محدودیت‌های ارزی را از عوامل اصلی وضعیت کنونی می‌داند.

بازار کسب و کار- سرویس اقتصادی: تا پیش از آغاز جنگ چهل‌روزه، تنها کمبود برخی اقلام دارویی در کشور بود که بیماران را آزار می‌داد، اما پس از آن و در مقاطع مختلف، قیمت دارو به‌صورت پلکانی افزایش پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که فردی که مصرف‌کننده دائمی یک دارو است، از آغاز سال ۱۴۰۵ تا امروز شاهد افزایش چندبرابری قیمت داروی مصرفی خود بوده است.

این در حالی است که دارو طی سال‌های گذشته یک‌بار در سال با مجوز دولت قیمت‌گذاری شده و بیمه‌های پایه نیز بلافاصله تغییر قیمت آن را پوشش می‌دادند. این افزایش قیمت نیز به حدی نبود که به بیمار فشار وارد کند. با این حال، آنچه امروز در بازار دارویی کشور مشاهده می‌شود، قیمت‌هایی است که هر ماه نسبت به ماه قبل گران‌تر می‌شود و عملاً پرداخت از جیب مردم را افزایش داده است.

مشکلات بیماران و نگرانی خانواده‌ها

از سوی دیگر، همزمانی گرانی و کمبود دارو موجب شده است برخی از بیماران خاص و صعب‌العلاج در دسترسی به داروی مورد نیاز خود دچار مشکل شوند؛ به‌گونه‌ای که داروهای اصلی برند آنها یا در بازار دارویی موجود نیست یا اگر هم باشد، قیمت بسیار بالایی عرضه می‌شود و بیمار توانایی تهیه آن را ندارد.

در ماه‌های گذشته، بیماران خاص «هموفیلی» و «تالاسمی» در تأمین داروهای مورد نیاز خود دچار مشکل بودند. اکنون بیماران نادری مانند مبتلایان به «سیستیک فیبروزیس» که به اختصار به آنها «سی‌اف» گفته می‌شود نیز دچار مشکل شده‌اند و این موضوع خانواده‌های نگران آنها را به تحصن مقابل وزارت بهداشت کشاند.

به گزارش «پیام ما» و به نقل از فارس، پدر یک بیمار سی‌اف که در تجمع خانواده‌های این بیماران مقابل وزارت بهداشت حضور داشت، درباره وضعیت کنونی تأمین داروی مورد نیاز فرزند خود گفت: «چند روز گذشته به اندازه ۱۰ روز داروی بیماران تأمین شده، اما با تمام شدن این میزان محدود، باید این داروها را از بازار قاچاق تهیه کنیم.»

۲ میلیون و ۶۸۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط شد

رئیس ستاد نوسازی ناوگان حمل و نقل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) از اسقاط حدود ۲ میلیون و ۶۸۰ هزار دستگاه خودرو از ابتدای اجرای طرح‌های نوسازی خبر داد و گفت: از این میزان، حدود ۶۸۰ هزار دستگاه مربوط به چهار سال اخیر است که معادل بیش از ۲۵ درصد کل آمار اسقاط کشور به شمار می‌رود.

محمدصادق حاتمی با اشاره به روند اجرای قانون ساماندهی صنعت خودرو و بند مربوط به نوسازی خودروها اظهار کرد: در دوره چهار ساله اخیر، با وجود محدود بودن بازه زمانی، سهم اسقاط خودرو به بیش از ۲۵ درصد کل آمار تاریخی کشور رسیده و این موضوع نشان‌دهنده یک جهش جدی در فرایند نوسازی ناوگان است.

وی افزود: در بخش نوسازی جایگزینی نیز طی سه سال گذشته، حدود ۱۵۰ هزار دستگاه خودروی فرسوده با خودروهای نو جایگزین شده که به طور متوسط سالانه حدود ۷۰ هزار دستگاه در سال ۱۴۰۴ را شامل می‌شود.

حاتمی با بیان اینکه از هر سه تا چهار خودروی اسقاطی، یک خودروی نو جایگزین شده است، گفت: این روند موجب صرفه‌جویی قابل توجهی در مصرف سوخت شده است و برآورد می‌شود در مجموع نزدیک به ۲ میلیارد لیتر صرفه‌جویی سوخت و بیش از ۱۰ درصد کاهش انتشار گازهای آلاینده در کشور رقم خورده باشد.

رئیس ستاد نوسازی ناوگان حمل و نقل ایدرو ادامه داد: بر اساس اصلاحات انجام‌شده در آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو، ظرفیت اسقاط سالانه کشور می‌تواند به بیش از ۳۵۰ هزار دستگاه برسد و در صورت تداوم روند تولید و واردات، این رقم حتی قابل افزایش نیز خواهد بود.

وی یکی از مهم‌ترین تغییرات آیین‌نامه جدید را مربوط به ماده ۱۵ دانست و تصریح کرد: در گذشته به ازای هر ۱۲ خودرو، یک خودرو از چرخه خارج می‌شد، اما طبق اصلاحات جدید و بر اساس تبصره ماده ۱۰ قانون، این نسبت به یک خودرو به ازای هر چهار خودرو تغییر کرده است؛ یعنی خودروها باید ۲۵ درصد تولید ماهانه خود را از طریق اسقاط خودروی فرسوده جبران کنند.

حاتمی همچنین به اصلاحات ماده ۸ اشاره کرد و گفت: در بخش خودروهای وارداتی، خودروهای هیبریدی از ۵۰ درصد معافیت و خودروهای برقی تولید داخل از ۱۰۰ درصد معافیت عوارض اسقاط برخوردار شده‌اند تا مسیر ورود خودروهای پاک به کشور تسهیل شود.

رئیس ستاد نوسازی ناوگان حمل‌ونقل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) درباره نوسازی موتورسیکلت‌های فرسوده گفت: در آیین‌نامه جدید، برای نخستین‌بار سازوکاری پیش‌بینی شده که در صورت نبود گواهی اسقاط موتورسیکلت، سایر گواهی‌های اسقاط نیز می‌توانند مبنای شماره‌گذاری قرار گیرند و به این ترتیب، وابستگی به واریز نقدی حذف شده است.

حاتمی تأکید کرد: اصلاحات انجام‌شده در آیین‌نامه جدید، به‌ویژه در مواد ۸ و ۱۵، می‌تواند روند اسقاط و نوسازی ناوگان را شتاب دهد و زمینه کاهش آلایندگی، صرفه‌جویی در مصرف سوخت و توسعه حمل‌ونقل پاک را در کشور فراهم کند./ ایرنا

مقایسه تطبیقی رشد هیجانی در کودکان تک‌فرزند و چندفرزند

روانشناس

فاطمه غفاری توران



«مراقبت» و «دلداری» دادن به خواهر یا برادر کوچک‌تر قرار می‌گیرند. این تجربه زیسته و عینی، بستر رشد همدلی و عاطفی است. آن‌ها روتدر یاد می‌گیرند که گریه یک نوزاد را چگونه آرام کند یا شیریک غم یک ششکست باشند. این یادگیری ضمنی و عملی، زیربنای هوش هیجانی را می‌سازد که مبتنی بر حس عمیق «با هم بودن» است.

۳. هویت و استقلال: دو مسیر متفاوت

تک‌فرزند: استقلال زودهنگام
تک‌فرزندها اغلب در بزرگسالی کوچک‌شدگانی هستند که با دنیای بزرگسالان راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. آن‌ها عادت دارند به تنهایی خود را سرگرم کنند و از خلوت خود لذت ببرند. این موضوع به خوداتکایی و استقلال عمل بالا منجر می‌شود. اما از سوی دیگر، فشار انتظارات والدین (که تنها بر دوش یک فرزند متمرکز شده) می‌تواند به کمال‌گرایی و ترس از شکست دامن بزند.

چند فرزند: هویت‌یابی در دل مقایسه

در خانواده پرجمعیت، کودک هویت خود را در رابطه با دیگری تعریف می‌کند: «من باهوش‌ترم، او قوی‌تر است». این هویت رابطه‌ای می‌تواند به مهارت‌های اجتماعی پیچیده‌تری منجر شود، اما ممکن است اصالت فردی را تحت‌الشعاع قرار دهد. کودک یاد می‌گیرد چگونه در یک سیستم پویا جایگاه خود را بیابد، مذاکره کند از حقوق خود دفاع نماید. این امر، اعتماد به نفس اجتماعی بالایی ایجاد می‌کند، هرچند ممکن است با رگه‌هایی از رقابت دائمی همراه باشد.

۴. نقش والدین: متغیر پنهان

نمی‌توان از تفاوت‌های تک‌فرزند و چندفرزند سخن گفت، اما متغیر اصلی، یعنی سبک فرزندپروری، غافل شد. بسیاری از ویژگی‌هایی که به اشتباه به «تک‌فرزندی» نسبت داده می‌شود (مانند خودمحوری)، حاصل رفتارهای خاص والدین است، نه صرفاً نبود خواهر و برادر. والدینی که آگاهانه برای تک‌فرزند خود فرصت تعامل با همسالان را فراهم کنند یا از بیش‌حمایتگری بپرهیزند، می‌توانند دلش‌های بالقوه را به فرصت بدل سازند. برعکس، در خانواده‌های چندفرزندی نیز مقایسه‌گری، تبعیض و بی‌توجهی می‌تواند زخم‌های هیجانی عمیقی بر جای بگذارد.

راهکارهای عملی برای والدین: چگونه کاستی‌ها را جبران کنیم؟

تفاوت‌های بررسی‌شده، یک سرنوشت محتوم نیستند؛ بلکه نقشه‌راهی هستند برای والدگری آگاهانه‌تر. مهم نیست ساختار خانواده شما چگونه است، مهم این است که با آگاهی از نقاط قوت و آسیب‌پذیری هر مسیر، مداخله‌های هدفمندی انجام دهید.

اگر فرزند تک‌فرزند دارید:

۱. **فرصت ناکامی بسازید:** آگاهانه موقعیتهایی خلق کنید که کودک «نه» بشنود، در بازی ببازد یا برای رسیدن به خواسته‌اش صبر کند. تسلیم شدن فوری در برابر

خانواده، نخستین آزمایشگاه هیجانی کودک است؛ جایی که او برای نخستین بار طعم حسادت، همدلی، رقابت، ناکامی و عشق بی‌قیدوشرط را می‌چشد. یکی از پرسش‌های بنیادین روان‌شناسی تحولی که همواره ذهن والدین و پژوهشگران را به خود مشغول کرده، این است: آیا تعداد فرزندان، مسیر رشد هیجانی آن‌ها را تغییر می‌دهد؟

این باور عمومی وجود دارد که تک‌فرزندها زودتر اما خودمحورتر، و چندفرزندی‌ها اجتماعی‌تر اما کم‌توجه‌تر به بار می‌آیند. اما شواهد علمی تا چه اندازه این تصورات را تأیید می‌کنند؟ این مطلب می‌کوشد با نگاهی تطبیقی و عاری از کلیشه، تفاوت‌های واقعی رشد هیجانی در این دو گروه را از منظر روان‌شناسی بررسی کند.

۱. تنظیم هیجان: از آینه تا چالش

تک‌فرزند: تنظیم‌گری زیر ذره‌بین

کودک تک‌فرزند، در کانون توجه والدین رشد می‌کند. مزیت این امر، دریافت بازخورد سریع و مستمر درباره احساساتش است. والدین زمان بیشتری برای نام‌گذاری هیجانات («می‌بینم عصبانی هستی») و آموزش راهبردهای آرام‌سازی دارند. در نتیجه، این کودکان اغلب دایره واژگان هیجانی غنی‌تری دارند و زودتر می‌توانند احساسات پیچیده خود را توصیف کنند.

با این حال، چالش بزرگ آن‌ها، مدیریت ناکامی است. از آنجا که موانع کمتری در مسیر خواسته‌هایشان وجود دارد (رقابت با خواهر یا برادری در میان نیست)، ممکن است آستانه تحمل پایین‌تری در برابر «نه» شنیدن و تأخیر در ارضای نیازها پیدا کنند.

چند فرزند: آموزش اجباری تنظیم هیجان

در خانواده‌های چندپدرزندی، کودک از همان ابتدا با واقعیتی به نام «منتظر نوبت ماندن» و «شریک شدن» مواجه می‌شود. این محیط، یک کلاس درس طبیعی برای تنظیم هیجانی است. کودک یاد می‌گیرد که عصبانیت ناشی از پس زده شدن یا شکست در رقابت با خواهر و برادر را چگونه مدیریت کند. او نمی‌تواند به طور عملی می‌آموزد که دنیا حول محور او می‌چرخد. این تجربه، اگرچه گاهی دردناک است، اما به ساخت «عضله هیجانی» مقاوم‌تری منجر می‌شود.

۲. همدلی و نظریه ذهن: درک دیگری

تک‌فرزند: همدلی شناختی قوی‌تر
 پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تک‌فرزندان، به دلیل تعامل زیاد با بزرگسالان، معمولاً در همدلی شناختی (توانایی درک دیدگاه دیگران) نمرات بالایی کسب می‌کنند. آن‌ها عادت دارند با جهان ذهنی والدین خود درگیر شوند و به همین دلیل، در تحلیل منطقی احساسات دیگران ماهرند. با این حال، همدلی عاطفی آن‌ها (توانایی احساس کردن درد دیگران) ممکن است به اندازه همدلی شناختی‌شان تمرین داده نشده باشد، زیرا فرصت کمتری برای مراقبت از یک کوچک‌تر یا همدلی با همسال در خانه داشته‌اند.

چند فرزند: همدلی عاطفی تجربه شده

کودکان چندفرزند، به‌ویژه فرزندان بزرگ‌تر، در موقعیت